

وزارت امور اقوام و قبایل  
ریاست نشریات و تبلیغات

# ویدی کوتا به پیشنهادیهایی آنسومی مرز

نویسنده: جمعه خان صوفی  
مرکز شعبه روابط بین المللی  
کمیته مرکزی ح. د. خ. ۱۰

برگرداننده پدری: نجیب سرخندوی

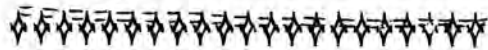
کابل: قوس - ۱۳۶۳

مرتب و تکثیرکننده: ریاست اطلاعات



## دیدی کوٹاہ بہ پشتون های انسوی

### مـــــــرز !



پشتون ها در چار چوب فعلی پاکستان عمدتاً در مناطق ذیل اداری حیات -  
بسر مہبرند :

۱- صوبہ سرحد ( بہ شمول مناطق قبایلی )

۲- ضلع های ژوب ، لورالائی ، کویتہ و پشین بلوچستان .

بخاطر باید داشت کہ این دو منطقه از نظر جغرافیایی بہ یکدیگر متصل اند . منطقه صوبہ سرحد از نظر مساحت ( ۱۲۸ ) درصد خاک پاکستان را تشکیل مہدہد ، یعنی کلی مساحت ان ۳۸۶۶۵ مربع میل است . از لحاظ کوهات ، کرک ، بنو ، دیرم اسماعیل خان ، دیر ، چترال ، سوات ، کوهستان ، اہلبت اباد و مانسہرہ دارد . دارای ہفت بولٹیگل اہجنسی بہ نام های باجوہ ، مہمند ، خیبر ، اورکزی ، کرم ، وزیرستان شمالی و وزیرستان جنوبی مہباشد . ہشتمین ان بنام ملاکند اہجنسی از نظر موقعیت دستگاہ اداری جدا از اہجنسی های ہفتگانہ است . نفوس صوبہ سرحد بر اساس سر شمار رسمی سال ۱۹۸۱ ۱۰۰۰۰۰۰ ۱۳۳۷۶ نفر بود . ۹۰ درصد اہالی ان پشتون بودہ و بہ زبان پشتو حرف مہزنند . بقیہ مہاجرین چترالی ، کوهستانی ، پنجابی و اردو زبان و سایر گروہ ہا اند کہ بہ زبان های چترالی کہواری ، کوهستانی ، کشمیری ، پنجابی ، سراہیکی و اردو صحبت مینمایند .

ژوب در بلوچستان کاملاً منطقه پشتون ہاست . ہفتاد درصد اہالی ضلع کویتہ پشین و لورالائی پشتون ہا اند . درینجا تقریباً یکونہم ملین پشتون زندگی مس کنند .

علاوہ بران در ضلع های متصل بہم کیمبلپورو میاوالی پنجاب دران مناطق کہ از نظر جغرافیائی با صوبہ سرحد همجوار اند ، پشتون ها بسر مہبرند . درین پنجاب وسند نیز پشتون ها بصورت پراگندہ موجود اند . از ہمہ مہمتر اینکہ در کراچی پشتون ها بمثابہ یک اقلیت برجستہ زندگی دارند کہ تعداد انہا بیشتر از یک ونہم ملین

نفر مهرداد • بدینترتیب تعداد کلی پشتون ها به بانزده ملیون نفر بالغ  
میگردد •

### اقوام و قبایل :

قبایل بزرگ و مهم پشتون های انسوی مرز، اینها اند :

۱- در ضلع صوبه سرحد :

یوسف زائی ، گدون ، ترین ، اتانخیل ، ختک ، محمد زائی ، گگیانی ، ...  
داود زائی ، خلل ، مشوانی ، بنوخی ، مروت ، بیهینی ، کچی ، گنداپور ، لوهانی  
نیازی ( با اینکه نیازی ، پنجاب است و اکثرت شان زبان خود را فراموش کرده اند )  
و خاسور •

ب- در مناطق قبایلی :

ترکانی ، اتانخیل ، صافی ، مومند ، شینواری ، شلمانی ، ملاگوری ، افریدی  
چمکسی ، ورکزی ، تورن ، وزیر ، دور ، مسید •

ج- در بلوچستان :

دوتانی ، شرانی ، مندوخیل ، بابر ، کتیران ، اوسترانی ، زمرانی ، ایسوت  
جافر ، موسی خیل ، کاکر ، سپین ترین و تورترین ، لونی ، اشکزی ، بانری •

مختصر پس منظر سیاسی و اجتماعی :

---

استعمار بریتانیا رشد خود بخودی سرمایه‌داری را در نیمه قاره هند متوقف ساخت . صنایع کوچک دستی را به نابودی کشید . نظام فئودالی را به منظور استثمار هرچه بیشتر در چارچوب نوینی قرارداد و کشور را به تولید مواد خام - زراعتی واداشت تا کالا های صنعتی ساخت انگلستان را به این سرزمین صادر نماید گرچه روابط پولی کالاهای را گسترش داد و بخاطر دسترسی به محصولات زراعتی و نمل به اهداف استراتژیک خود به احداث جاده ها و راه آهن دست یازید ، خود کفایی روستایی از بین رفت ، تجارت کمپادوری آغاز یافت و بموازات آن تجارت - منطقه‌ای و سرمایه ربحی رشد نمود ، همچنان تجارت ملی پس از نیمه قرن نوزدهم به ایجاد واحد های صنعتی دست زدند .

همراه با پدید آمدن مناسبات بورژوازی روند شکل ملت بورژوازی نیز بوجود آمد . ولی تحکیم ملی پشتون ها نسبت به سایر ملت ها بسیار پیچیده و مشکل بود .

مهاجده دیورند در سال ۱۸۹۳ پشتون ها را از هم جدا ساخت تا سال ۱۹۰۱ مناطق پشتون ها به قسمتی از ایالت پنجاب مبدل گشت . در سال ۱۹۰۱ این مناطق از پنجاب جدا و منطقه وسیع پشتون ها ، ایالت مرزی شمال غربی نامیده شد . در حالیکه هند برتانوی ده ها سرحد داشت ولی این ایالت به سببی سرحدی نامیده شد که در اینجا به گفته مستر اثریست ها و ایدئولوگهای استعمار انگلیس بر برتانوی با ( خرس روسی ) روسیه تزاری در نبرد بود و برتانیا به این بهانه بخاطر تبارز اهمیت استراتژیک این منطقه ، انرا سرحد نامید و ان از سببی که این منطقه برای استعمار بریتانیا از اهمیت زیاد برخوردار بود ، از اینرو انرا از ( کک ها ) و ( امتیازاتی ) که به سایر مناطق قابل شده بود ، محروم ساخت گرچه این منطقه در سال ۱۹۰۱ ظاهراً به ایالت مبدل گشت ولی در عمل تحت اثر چیرف کمیشنر و نزد حکومت مرکزی مسئول و فرمانبردار قانون حکومت مرکزی

بود . در سال ۱۹۰۱ تقسیم اداری ایالت سرحدی ( صوبه سرحد ) -  
طوری صورت گرفت که برخی پشتون ها در ضلع های ژوب ، لورالای ،  
پشپن و کویته وابسته به بلوچستان برتانوی باقیماندند و قسمت های دیگر  
صوبه سرحد به سه بخش تقسیم گردید :

۱- ضلع های داخل ایالت که زیر سلطه همه قوانین حکومت برتانوی  
( در حال حاضر پاکستان ) بودند .

۲- مناطق قبایلی که تحت تسلط مستقیم حکومت مرکزی بوده و هیچگونه  
قانون داخلی مدنی و ملکی وجود نداشت .

۳- دولت های فئودالی سوات ، دیر ، دربند ، چترال و خار که در داخل  
زیر حکمفرمایی حکومت اربابان فئودالی بود و از نظر سیاست خارجی  
وابسته به قرار دادهای هند برتانوی بودند . علاوه بر این برخی  
مردمان غیر پشتون ( در هزاره ) را نیز با مناطق پشتون ها شامل  
ساخت .

همه این موانع سیاسی و اداری روند تحکیم ملی پشتون ها را کند  
ساخت و به شعور وحدت ملی آنها زبان رسانید . از سوی دیگر برخی  
مناطق به نسبت سهولت در رفت و آمد و داشتن جاده و سربلندی پیشرفت  
ناهیی آمدند و برخی مناطق کوهستانی که رفت و آمد در آنها مشکلی و از جاده  
ها فاصله داشتند و یا قبایلی بودند ، ازینرو در حالت عقبمانده باقیماندند  
چنین ترقی بی تناسب نیز در تکوین ملت بورژوازی پشتون ها موانع ایجاد نمود .

رشد مناسبات سرمایداری در مناطق پشتون در اواخر قرن ۱۹ افزایش  
یافت . درین زمان نفوس شهری روبه تزايد گذاشت ، بورژوازی تجاری سر  
بلند نمود ، روشنفکران بورژوا - فئودال بصورت پراکنده پدید گردیدند . -  
مالکیت خصوصی فئودالی بوجود آمد و محصولات زراعتی بغرض عرضه در بازار  
انکشاف نمود . مناطق مختلف در کشت و زرع فصول گونه گونه تخصص یافته و تبادل

و داد و ستد بین شان افزایش یافت و بدینگونه بازار ملی بهمان آمد .  
تبادلہ جنس و کالا جای خود را به تبادلہ پولی گذاشت ، لایہ بندی در بین دهقانان تند گشت که اکثریت آنها درین جریان زمین های شانرا به فیودالان و رباہ خواران باختند . از سویی دیگر به تعداد دهقانان بی زمین به نسبت افزایش تناسب مالہ و تکس زمین کہ بوسیله انگلہس ها وضع شدہ بود ، فزونی بعمل آمد . استعمارگران برتانوی بہ اربابان و فیودالان زمین و بخشش دادہ ، زمین های شانرا از پرداخت مالہ معاف ساخته و بدینگونه با مالکیت فیودالی مساعدت مہرزیمہ دند .

بموازات این روند بوجود آمدن تجار ملی ثروتمند پشتون نیز آغاز گشت مصروفیت در امور دلالی ، تجارت میان شہرودہ ، بوہڑہ جادہ ها و خطوط اہن باعث بہمان آمدن سرمایہ تجارتی گشت .

مصنوعات و کاغذ های تولید شدہ در برہتانہا اہل کسبہ داخلی راورشکت ساختہ و انہا را بہ دامن دلالان فیودال ربا خوار انداخت . همچنان فیودالہا و تاجران پشتون این موقع را بدست آوردند تا قسمتی از سرمایہ اہرا کہ بدست آورده بودند بہ تولید صنعتی وقف سازند .

با ایجاد تصدی های ابتدائی صنعتی و ترانسپورٹی بورژوازی ملی و پرولتاریہی پشتون موجود آمدند .

گرچہ این برسہ بسیار محدود بودہ و از یک منطقہ تا منطقہ دیگر تفاوت داشت و در مناطق ہموار و میدانی این عمل سریع صورت میگرفت ، ولی مناطق قبایلی تا جنگ دوم جهانی از سرمایہ داری دورنگہداشته شد و بجزازہ برخی از نہاد های سرمایہ داری مناسبات فیودالی و ماقبل فیودالی تسلط داشتند .

با وجود اینکہ مهاجرت داخلی از ( ۱۹۰۱ تا ۱۹۴۷ ) گسترش یافت مردان و پشاور از نگاہ صنعت پیشرفت نمودند و شہرہا گسترده تر گردیدند .

نه تنها دهقانان فقیر مناطق قبایلی بلکه حتی از افغانستان نیز به شهرها رفتند و شهرها به مراکز صنعت، حرفه و تجارت مبدل گشتند و بدین ترتیب در چگونگی نوادی آنها تغییراتی پدید آمد. ولی باز هم سرمایه داری در مناطق پشتونها در مرحله ابتدائی رشد خود قرار داشت (که تا کون نیز چنین است) ازینرو اکثریت دهقانان فقیر پشتون برای کار به هند شمالی و غربی (و پس از تشکیل پاکستان به کراچی) میرفتند و در آنجاها برای خود کار جستجو میکردند. بدین ترتیب پرولتاریای پشتون در خارج از مرزها پدید گردید و تعداد آن نسبت به پرولتاریائی که در مناطق خود مصروف بود و است، بیشتر بود و تا اکنون نیز چنین است.

برخی پشتونها که بمنظور تجارت و یا ربا خواری به هند میرفتند پس از انداختن سرمایه ای به مناطق خویش بر میگشتند، انگاه یازمین میخرید و بابه تجارت آغاز میکردند و عده قلیل شان در صنعت نیز سرمایه گزاری نمودند.

در اخیر قرن ۱۹ و آغاز قرن بیست روشنفکران بورژوائی پشتون بمیان آمدند. درین زمان فرزندان طبقات بالا غرض تحصیل به لندن، علیگرو یا لاهور میرفتند. ولی وقتی در سال ۱۹۱۳ اسلامیه کالج پشاور بعداً ایدور در کالج پشاور ساخته شدند، انگاه این بروسه تسریع یافت، در سال ۱۹۰۳ در مؤسسات تعلیمی ایالت سرحدی (صوبه سرحد ۳۶۰۰ تن شاگردان و دهه دوم و سوم قرن حاضر این تعداد فزونی یافت و حتی برخی پشتونها غرض تحصیل به افغانستان نیز آمدند. البته درین قسمت سهم نهضت خدایس خدمتگار نیز قابل یاد دهانی است. آنها پشتونها را به فراگرفتن تحصیل تشویق کرده و برای این منظور مکاتب ازاد خود را تأسیس نمودند.

يك نکته را نباید فراموش کرد که نظریه سرشماری سال ۱۹۲۱ هندو ها در صوبه سرحد ۶۷ درصد نفوس را تشکیل میدادند ولی با وجود چنین اقلیتی در عرصه های اقتصاد، تجارت، آموزش و کارهای اداری نفوذ زیاد داشتند.

پس از سال ۱۹۴۷ رشد سرمایه داری در مناطق پشتون ها تسریع گردید . در زمان ایجاد پاکستان ۲۷ تصدی صنعتی در صوبه سرحد وجود داشت که هر يك دارای بیشتر از ۲۰ نفر کارگر بود که مجموع تعداد کارگران به ۱۵۰۰ تن می رسید . یگانه فابریکه بزرگ همانا فابریکه بوره بنام ( پرلر شوگر ملز ) در مردان بود که مالکین آن هندو ها بودند در سال ۱۹۶۸ تعداد تصدی ها به ۱۷۴ و تعداد کارگران به ۲۷۴۰۰ نفر رسید . در سال ۱۹۷۵ این رقم به ۳۲۰ و ۴۵۴۰۰ نفر کارگر ارتقا نمود . تعداد بیشتر برولتارهای پشتون کارگران کار می کردند به ( ۳۰۰۰ ) می رسید که تعداد کلی کارگران آن ها ( ۳۰۰۰۰ ) نفر بودند . دو بر سه حصه این تصدی ها در ضلع ها واقع بودند .

تعداد کارگران مستقل که کارگران موسمی نیز شامل آن ها میشوند ، بسیار زیاد یعنی نظریه تخمینی به هشتصد هزار تن می رسد که نصف این تعداد در صنایع دستی از قبیل کارگاه های بافندگی ، کلالی ، نجاری ، ندافی ، آهنگری و غیره مشغول اند . بقیه تجارت سرچون را بیشتر ساخته و یک تعداد قلیل شاق در پیروسه تبدیل شدن به لایه های بورژوازی کوچک قرار دارند . موجودیت انبوهی از چنین کارگران آزاد و مستقل ، مظهر رشد ناکامی کاپیتالیزم در پشتونها میباشد .

دهقانان فقیرتر به نسبت رشد محدود سرمایه داری در مناطق شان ، به مناطق صنعتی کراچی سرازیر گشتند که در نتیجه تقریباً یکم ملیون برولتا رهای صنعتی پیدا کرد و اکثریت شان در همانجا مسکون گشتند . مناسبات دوامدار و مستحکم برولتارهای پشتون با محلات شان پیروسه مبدل گشتن آنها به یک طبقه برولتارهای مستقل را بطی ساخته و این حقیقت مانع یختگی سیاسی و سازمانی آنها گشته است .

نظریه یک احصائیه تخمینی تعداد شاغلین کار در صوبه سرحد به چهار ملیون نفر می رسد که دو سوم حصه آن در زراعت مشغول بوده و چهل در صد محصولات مجموعی ایالت را تولید می نماید . اکثریت اینها دهقانان اند که ۱۶٫۴ درصد آنها بی زمین و در علاقه داری های مردان و چار شده ساکن اند .



چهار درصد ایشان بالای زمین های خود ( تا يك هكتار ) کار میکنند و ۲۸٫۴ درصد آنها که تا ۰٫۴ هکتار زمین دارند ، کارگران زراعتی اند .

زارعین اجاره دارد طور اوسط دارای ۱٫۷ هکتار زمین بوده و مالک اجاره دار ۳٫۳ هکتار زمین دارد .

پس از تشکیل پاکستان تعداد زیاد روشنفکران پشتون بوجود آمدند و حتی در مناطق قبایلی نیز عملیه افزایش روز افزون تعداد روشنفکران با سرعت پیش رفته است . اینرا میتوان چنین فهمید :

در سرتاسر ملاکهای ایجنسی در سال ۱۹۵۱ فقط بتعداد ۴۷ نفر روشنفکر دارای تحصیلات ثانوی و هشت تن دارای تحصیلات عالی وجود داشتند . قبل از تشکیل پاکستان در سرتا سرتا مناطق قبایلی صرفاً دولسه ( های سکول تاصنف دهم ) و ۴۸ مکتب وجود داشت که ۶۰۰ نفر شاگردان پسر در آنها به آموزش مشغول بودند و برای دختران اصلاً مکتبی وجود نداشت . ولی در سال ۱۹۸۲ بر کهدت کالج مربوط به قوای مسلح در ( وزیرستان ) ده باب کالج ( تا صنوف دوازدهم و چهاردهم ) ، ۱۰۲ باب دولسه ( های سکول ) ، ۱۹۶ باب مکتب متوسط ( تا صنف هشتم ) و ۱۳۶۷ باب مکتب ابتدائی وجود داشت . با وجود اینها هشت باب دولسه ، ۱۱ باب مکتب متوسط و ۵۵ باب مکتب ابتدائی برای دختران اعمار گردیده که تعداد کلی شاگردان آن به ۹۵۰۰ نفر میرسد . این تعداد اضافه بران تعداد شاگردان هیئت که در ضلع ها با پوهنتون پشاور تحصیل میکنند . البته تعداد مامورین باین رتبه پرسونل مسلکی و استادان و دیگران که در شعب دولتی و خصوصی ، دفاتر ، مکاتب ، کالج ها و شفاخانیه ها شاغل هستند به صدها هزار نفر میرسد . دکتوران ، انجمنیان ، بیروکراسی و استادان پوهنتون و ژورنالیست ها لایه بالایی روشنفکران را تشکیل میدهند .

در اثر رشد محدود کابینالیزم ، فشار بر شاغلین کار در زراعت و بیکاری ، تعداد کثیر دهقانان مناطق عقب مانده نو زمین های بارانی بصوف اردو ، یولیس ، ملیشه و قوای سرحدی پیوسته اند . همچنان برخی پشتون

های مربوط به لایه های متوسط افسران اردواند . احصائیه ای تخمینی  
حاکمیت که پشتون ها در اردو ده در صدرا تشکیل میدهند . این افسران  
به عرصه های تجارت ، زراعت و صنعت نیز نفوذ پیدا کرده و هم بکعداد شان در  
پنجاب و سند به زمینداران بزرگ میدان گشته اند .

ملاها ، روحانیون و پسران در زندگی جاری پشتون ها نقش معین خویش  
را ادا مینمایند . تعداد مجموعی شان از ۱۵ تا به ۲۰ هزار نفر میرسد . قشر  
پائینی ان ها ، ان عده ملاهای اند که در مساجد امامت میکنند و یاد در -  
دارالعلوم ها ، مدارس و مکاتب دینی بحوث استادان وظیفه اجرا میکنند .  
چون برخی ازین ها در مبارزه برضد استعمار انگلیس سهم گرفته اند لذا در -  
جامعه از اعتبار و پرستیج برخوردارند ، قشر بالایی انها شامل لایه فئودال  
بورژوا میباشد .

بخش بالایی استثمارگر جامعه پشتون ها از نظر تعداد بسیار زیاد -  
نیست . قسمت بزرگ و اکثریت ان ، فئودال هایی اند که تعداد شان در میان  
کلی پشتون ها بیشتر از دوازده هزار نفر است ، ولی بر ۶۰ درصد زمین های  
ضلع ها تسلط دارند . دسته دوم ان بورژوازی پشتون میباشد که عبارت است از  
تجار و مالکین کارخانه ها و تعداد شان به ( ۴۰۰۰ ) نفر میرسد ، دسته  
دیگری بیروکرات های ادارات ملکی اند که کم از کم ( ۱۰۰۰ ) نفر خواهند بود .

از انجایکه رشد ناکافی مناسبات سرمایه داری ، دهقانان به کار -  
پشتون را مجبور ساخت به کراچی ( در سال های اخیر به امارات خلیج ) سرا  
زهر شوند ، لذا بورژوازی پشتون نیز خارج از مرزهای خود پدید آمده است .  
تعداد بیشتر تجار پشتون سرزمین خود را برای سرمایه گذاری مساعد ندانسته  
و به کراچی یا پنجاب رفته و انجا سرمایه گذاری کردند و یکسجا با سرمایه داران  
هم مسلک پنجابی و مهاجر در میان طبقات حاکمه پاکستان جای خود را اشغال  
نموده و جز ان گردیدند .

پشاور ، مردان و کوهات ضلع های پشرفته پشتون ها اند . درین مناطق  
سرمایه داری موضع مسلط دارد . سایر مناطق پشتون ها ( بشمول کوئته )

خصوصیت کثیر الترتوبی ( Multi Structural ) دارند که وجوه های آن در رشد نا متناسب و نامتناسب کابینالیزم تجلی میابد. در مناطق قبایلی تا هنوز اختیار طبیعی وجود داشته و مناسبات تولیدی بسیار عقبمانده یعنی شکل ماقبل فئودالی دارد. به نسبت نبودن یک دولت پشتون، مناسبات قبایلی پابرجا مانده است، زیرا از منافع یک قبایلی و یک دهقان عاکی در برابر متجاوزین همسایه، فقط سازمانی قبایلی میتواند حراست نماید. از سوی دیگر قشر بالایی استثمارگر قبایلی همه علاقه دارد تا تضاد های جامعه را زهر اوکش روایات و عنعنات مخفی نگه داشته، به استثمار دوام دهد و فرد عادی قبایلی را برای حفظ منافع استثمار و تجاوزات خود بگمارد.

مناطق پشتون در بلوچستان عموماً عقبمانده اند و از لحاظ ساختار اجتماعی تا اندازه به مناطق قبایلی شباهت داشته و مناسبات ماقبل سرمایه داری بر آن ها مسلط است. برخی مناطق آن برای کشت و زرع مساعد بوده و روابط فئودالی باعث شدت بیشتر استثمار دهقانان میگردد. کوئته بزرگترین شهر بلوچستان است و به نسبت سایر ملیت ها ( بلوچ ها، پنجابی ها، مهاجر و هزاره ها ) پشتون ها درین شهر اکثریت را میسازند. تجارت پشتون و تاجران و قاچاقبرانی که میان افغانستان و پاکستان تجارت توانزیتی دارند، بورژوازی کوچک تجارتی پشتون ها را تشکیل میدهند.

در ضلع های کوئته، ژوب، لورلای و پشین مکاتب و کالج ها وجود دارند. در پوهنتون کوئته تعداد هنگفتی از محصلین پشتون به تحصیل مشغول اند.

در عرصه های تجارت، ترانسپورت، و زمین های مساعد زراعتی و تعلیم و تربیه پشتون ها نسبت به بلوچها پیشرفته تراند. البته با در نظر داشت شرایط عمومی پاکستان پشتون ها نیز همراه با بلوچها و سندی ها تحت ستم قرار دارند.

## مسئله ملی پشتون ها :

قبل از سلطنت درانی قبایل پشتون در طول دوسده با سلاطین و تجاوزگران فئودالی ایرانی و مقولی در نبرد درگیر بودند . این حقیقت جای وحدت و یگانگی اتنیکی را در آنها پدید آورد که بعدها سلطنت درانی به این احساس قوت بخشیده به استحکام ملیت فئودالی آنها مساعدت ورزید . بطورعموم پیرویه تحکیم بوجود آمدن یک ملیت فئودالی قبایلی پشتون یعنی - پدید آمدن احساس داشتن زبان مشترک ، سر زمین مشترک و فرهنگ مشترک از سده ۱۶ تا سده ۱۸ تکمیل گشت .

سلطنت درانی بیگانه دولت افغانی بود که پشتون ها در وجود آن احساس یگانگی نمودند ، زیرا قبل و بعد از دوره درانی ها ، در پشتون های انسوی مرز به نسبت محروم بودن از دولت خودی احساسات محرومیت و بیگانگی ریشه میگرفت و هر زمانی تا کنون ، به پیمانیه های تفاوت علیه حکومت های بیگانه در حال مبارزه و ییکار مصروف مانده اند .

در سال های ۱۸۱۸ تا ۱۸۳۴ مهاراجا رنجیت سنگه پنج منطقه پشتون ها دیر ، بنو کوهات ، پشاور و هزاره را که بعدها بوسیله انگلیس ها به ضلع ها تبدیل شدند ، از جنگ درانی ها بدست آورد . گرچه رنجیت سنگه از طرف سلطنت در اینها به ولایت پنجاب منصوب شده بود ولی در نتیجه کشیدگی های خانوادگی ، بی کفایتی و ظلم و فشار حکمرانان درانی جرئت شورش را پیدا کرده و خود را بحیث حاکم مستقل و آزاد اعلان نمود . ولی بازم پشتون ها در هر محلی درفش مبارزه را علیه قدرت رنجیت سنگه بلند کرده و حکمرانی نامبرده در همه مناطق با مقاومت و انزجار قبایلی پشتون مواجه گشته است .

در سال ۱۸۴۹ استعمارگران انگلیس پنجاب را تصرف نموده و در نتیجه پنج منطقه فوق الذکر پشتون ها نیز تحت کنترل آنها درآمد . و انگلیس ها بنویه خود با مقاومت سرسختانه و دوام دار قبایلی و مردم میهن پرست پشتون مواجه گشتند . در ضلع ها این مقاومت و مبارزه شکل نه همکاری و نه فشار را بخود - اختیار نموده و قبایلی ها به نبرد های مسلحانه گریزانی قبایلی خویش ادامه

دادند که در نتیجه هدف بمبارانها و گلوله باری های انگلیسها قرار میگرفتند .

سه جنگ استعمار گران انگلیس با افغانستان آگاهی ملی پشتونها را برانگیخت و با تشدید مبارزه ضد استعماری آنها مساعدت کرد و احساس وحدت و یگانگی با کشور تاریخی خود ( افغانستان ) را در آنها تقویت نمود و به این داشت که افغانستان را هر موقع و هر زمان برادر خود و درغم و شادی - اشی خود را شریک بدانند .

در سال ۱۸۵۰ ضلع های پشاور، کوهات، هزاره، دیره جات و بنو از لحاظ اداری به بخشی از پنجاب تبدیل شدند . ضلع های دیره جات و بنو که بوسیله دپتی کمشنر ها اداره می گردیدند به دوپژن پنجاب مربوط ساخته شدند که بعداً در سال ۱۸۶۱ به دوپژن دیره جات مربوط گردیدند .

شومترین موقع در تاریخ پشتون ها همانا سال ۱۸۹۳ است که طی آن معاهده دیورند به امضاء رسید . نظر به این معاهده برای اولین بار پشتون ها رسماً و شکلاً بوسیله چنان مرزی مصنوعی از هم جدا گشتند که در تعیین ، امضا و قبولی آن هیچگونه رای و نظر آنها شامل نبوده و تا امروز هم انرا به رسمیت نسه شناخته اند .

در نتیجه امضای معاهده دیورند در ۱۸۹۳ و مشخص گردیدن مرز در ۱۸۹۵ مبارزه و یهکار قبایل پشتون علیه استعمار انگلیس شدت بیشتری یافت و نفرت و انزجار قبایل به اندازه نبروند بود که در سال ۱۹۰۲ والیسرای هند برتانوی در بار پشاور ( مقامات بلند استعماری و ملاقات و مذاکرات ) - سران قبایلی ) را در بار می نامیدند مجبور شد اعلام کند که حکومت در مناطق قبایلی هیچگونه مداخله نکرده و بدینترتیب محاصره مسید را نیز خاتمه بخشید .

با وجود مقاومت حکومت پنجاب در سال ۱۹۰۱ ضلع های پشتون جدا ساخته شده و بدینگونه ایالت جداگانه ای بنام ایالت سرحدی شمالی - غربی بمیان آمد . این ایالت را بخاطر اهداف ستراتیژیک پدید آورده انسرل

ایالت سرحدی نامیدند و برخلاف پنجاب ، سند و بلوچستان نام این منطقه را با تشخیص و چگونگی ملی باشندگان آنها بی ارتباط باقی گذاشتند . گرچه به این سرزمین حیثیت نام نهاد ایالت قایل گشتند ولی در عمل چون سایر ایالات هند ایالتی تحت اثر گورنر نه ، بلکه رهبری اداری آن در دست چیف کمشنر بود و در هرگونه معامله ای به حکومت مرکزی جوابده و نیازمند به آن بود .

گرچه استعمار انگلیس در بین پشتون ها بوسیله عمل وفادار خود - فئودالیزم را در چار چوب جدیدی قرارداد و همزمان با آن برخی اقدامات - استعماری دیگر سبب بدید آمدن مناسبات بورژوازی گردید و در نتیجه احساس ملت بورژوازی در پشتون ها بوجود آمد . لیکن به علت احساس آزادی خواهی پیشگان ها و اهمیت سستراتژیک این منطقه آنها را از لحاظ اداری از یکدیگر جدا نگاهداشتند .

پس از اینکه به افغانستان حیثیت حامی ( بفر ) داده شدانگاه نوار قبایلی را ایجاد نمودند و پس از مناطق قبایلی حدود ضلع ها آغاز مہافت مناطق قبایلی مستقیماً بوسیله چیف کمشنر بحیث نماینده گورنر جنرال اداره می شدند . در سوات ، دیر ، خار ، دریند و چترال دولت های خود مختار فئودالی ایجاد نمودند .

منظور از چنین اقدام آن بود که پشتون ها از هم دور بمانند ، هیچگونه رابطه ای بین شان تا مین نگردد و توجه شان بعوض مساله ملی به مسایل فرعی داخلی معطوف ساخته شود و از رشد احساس ملی در آنها جلوگیری صورت گیرد .

حکومت برتانوی این ایالت را از همه اوق قوانین و ( حقوقی ) که به سایر بخش های هند قایل شده بود محروم نگاهداشت . درین ایالت قانونی وجود نداشت ، هیچگونه حقوق و امتیازاتی برای توده های مردم مہسر نبود ، حتی در سال ۱۹۱۹ که حکومت برتانوی در اثر فشار داخلی و زہر تا مہر نهضت پررغام تر گردید و حقوق معینی برای مردم قایل گردیده بود ، از آن همه انرا به این بهانه محروم نگاهداشت که این ایالت حیثیت باروت را دارد که اگر اصلاحات فوق الذکر در آن تطبیق گردد بمثابة کبریت خواهد بود .

در دوران بین سالهای ۱۹۰۵-۱۹۱۷ رویدادهای انقلابی روسیه در مجموع بر نهضت آزادی هند و بخصوص بر نهضت پشتون ها تا شهرات خود را وارد نمود و بویژه انقلاب کبیر اکبر چون سایر نقاط جهان بر مبارزات وطنپرستان پشتون نیز تا شهر بزرگ افگند و ازین زمان بیحد اید پالوئی - ناسیونالستی انصار جهت ضد امپریالیزم و ضد کلونیالیزم سپر نمود .

درین اوان یعنی در سال ۱۹۱۲ عبدالغفارخان به همراهی حاجی عبدالواحد ترنگی به ایجاد مکاتب آزاد دست یازیده بودند و این نهضت رهنمستی بتدریج جهت سیاسی و ضد استعماری اختیار نمود . این نهضت بلاد رنگ از پشتیبانی پشتون ها برخوردار گردید ، توده های ملیونی دهقانان ملاهای میهن پرست و زمین داران کوچک در ضلع ها در عقب عبدالغفارخان - برای دادن هرگونه قربانی آماده قرار گرفتند . این نهضت برای گسترده و مشهور گردید که مناطق قبایلی دولت های فیسو دالی و مناطق پشتون نشین بلوچستان برتانوی را تکان داد . گرچه به عبدالغفارخان و رفقایش اجازه داده نشد تا سازمان خود را ( خدای خدمتگار ) در مناطق قبایلی منظم و متشکل سازند ولی با انهم به ندای انها لبیک گفته شد و بر شدت مبارزات ضد انگلیسی خویش بیشتر افزودند .

استعمار انگلیس از نهضت منظم و متشکل سیاسی در منطقه حساس و - ستراتژیک چون منطقه پشتون ها دست پاچه گشت و برای سرکوب ان بس - شیوه های گونه گون از قبیل زندانی کردن ها ، مصادره دارائی ها ، شکنجه کردن ها ، ترور بوسیله عمال خود ، قتل عام و کشتن و بستن ها و غیره دست یازید . عبدالغفارخان به منظور تجارت نهضت از زیر ضربات استعمارگران و - داشتن ارمان مبارزه مشترک ضد استعماری با کانگری ، نهضت رابا کانگری سازمان ضد استعماری سرتاسری هند پیوند داد . انگلیس ها از طریق عمال و ملاها و روحانیون مذهبی وابسته بخود بر اعضای نهضت خدائی - خدمتگار اتهامات ( بلشویک ) بودن را وارد ساخته و انها را اجنت های بلشویک ها منهامیدند و این عم بخاطری بود که اعضای خدای خدمتگار بونیفورم سرخ رنگ بتن میکردند .

طبق يك احصائيه در سال ۱۹۳۰ پانزده هزار نفر زندانی سياسي پشتون در زندانها بسر ميبردند . علاوه بران در بازار قصه خوانی پشاور پکر، کوهات، هاتی خلی ( بنو ) ، اتان زایی و در بازار کلان پشاور انگلیس ها به قتل عام های هم دست زدند .

در قمبرستان خارج از زندان هری پور ( هری پور جهل ) مزارده - ها تن وطنبرستان وجود دارد که در زندان در اثر شکنجه و عذاب زندگسی خود را از دست دادند .

استعمار گران انگلیس در اثر فشار زیاد مجبور شدند تا در - دسامبر سال ۱۹۳۱ نخست به ایالت سرحدی شمال غربی مانند سایر ایالات هند حیثیت ایالت گورنر نشین قابل شود و رفویم های نظیر آنچه در سال ۱۹۱۹ صورت گرفته بود ، درین ایالت نیز به انجام میرساند . بدینگونه (صوبه سرحد) به ایالت یازدهم هند مبدل گشت . لیکن بازم برخلاف ایالات دیگر از مسا امتیازات و حقوق قانونی محروم باقیماند . زیرا در این ایالت قانون سیاهی چون ایف، سی ، ا - ( فرینتر کرایمر پگولیشنز ) که بد بختانه تا کنون نیز در بلوچستان و صوبه سرحد نافذ است ، حکمروائی داشت . نظر به این قانون زندانی ساختن بی دلیل و بدون ارتکاب جرم ، محکم ساختن دستجمعی به پرداخت جریمه و نداشتن حق دعوت مجاز است .

نهضت خدایی خدمتگار در همراهی با کانگرس به همه گوشه و کنار این ایالت سرایت نمود و پشتون ها بمثابه ملتی به مبارزه در راه آزادی علیه استعمار انگلیس قیام نمودند . این نهضت بقدری نیرومند گشت که وقتی نظر به ایکت ( قانون ) سال ۱۹۳۵ بر اساس نظریه ( *Self Government* ) ( حکومت خودی ) در سال ۱۹۳۷ در هند انتخابات صورت گرفت ( درینجا بخاطر باید داشت که نظریه قانون استعماری انگلیسی هر تبعه بالغ حق رای که ( *Adult Franchise* ) نامیده میشود ، نداشت ، بلکه برای دهنده فقط انکس بود که به اندازه معین زمین و یا دارائی داشته و از نظر طبقاتی از اعتبار اجتماعی برخوردار بود ) ، کانگرس ( خدایی خدمتگار ) در ایالت سرحدی ( صوبه سرحد ) در اسامبله مرکزی قانونگذار و در خود ایالت اکثریت قاطع بدست آورد .



پهروزي کانگرس درين انتخابات واضح ساخت که ملت هند از مبارزات و شعار هاي آزادي خواهانه کانگرس پشتيبانی مینماید . انگليس از اينده هند بسط تشویش افتاده و فورا سیاست هاي خود را تغيير داد و کار تقسيم هند را از لحاظ مذهبی و فرقه ای آغاز کردند . ضمن اينکه تخم نفاق و انزجار ميان دو مذهب اکثريت ( هندو و اسلام ) در هند بذرمينمودند جانبداري از تلاش هاي مسلم ليگ بطور آشکار و پنهان را آغاز نمودند . گرچه استعمارگران - انگليس از قبل از اصول ( تفرقه بينداز و حکومت کن ) پهروي کرده و تلاش هايشان در تشکيل و تکامل مسلک ليگ از نظرها پنهان نبود .

درينجا بايد بر نکته ديگری تاکيد ورزید اينکه تا سال ۱۹۴۰ هيجگونه اثری از مسلم ليگ در پشتون ها دیده نميشد . مسلم ليگ زمانی تشکيل گرديد که انگليس ها بساط خود را در نيمقاره هند در حال درهم پيچيدنديدند . آنها وظيفه را به عمال و بيوروکرات هاي وابسته به خود سپردند و - سعدالله خان عمرزای که انگليس ها جايداد زياد و لقب خان بهادر برايش داده بودند در ( چنين کارداري ثواب ) از خود ابتکار نشان داد و مسلم ليگ را اساس گذاشت . بدينترتيب بيوروکراسی انگليسي همه اجنت ها و عمال خود را در اطراف مسلم ليگ گرد آورد .

ليکن باوجود موج تبليغاتی تبسی بر نفرت و نفاق افگنی بيوروکرات ها و عمال محلی مسلم ليگی ها و ملاهاي جبهه خوار انگليس ها ، انتخابات - ۱۹۴۶ یکبار ديگر محبوبيت خدای خدمتگار و کانگرس را در صوبه سرحد نشان داد . اين انتخابات مانند انتخابات گذشته صورت گرفت در ۹۴ درصد ايلات مسلمان نپروهاي مهن پرست و وسوم ( اکثريت قاطع ارا را بدست آوردند و حکومت کانگرس برهبری داکتر خانصاحب برادر اوشد عبدالغفار خان تشکيل گردید .

نيرنگ ها و مانور هاي استعمارگران انگليس مؤثر ثابت گشت . مسلم ليگ و کانگرس پس از بحث و مشاجره و پيشنهادات و طرح هاي زياد به تجزیه هند راضی شدند . کانگرس نيز در وجود زعامت خود تحت فشار عناصر راست گرای چون سردار پتيل به جفا کاری با خدای خدمتگار ها آماده شد که بعد

ها با چا خان در واقعیت امر این فیصله کانگرس را با (رها کردن پشتون ها به دهن گرگ) برابر دانست. در اثر اندامها ایندیندیس اکت (قانون آزادی هند) سال ۱۹۴۷ بنگال، سند و پنجاب با مرزهای مذهبی تقسیم گشت و فیصله شمولیت آنها از اسامبله های این ایالات بدست آورده شد. ولی وضع در صوبه سرحد طور دیگری بود در آنجا استعمارگران انگلیسی و عمال مسلم لاهی ان معیار های دیگری بکار گرفتند و زحمت پرسش اینکه (ایما با هند شامل میشود یا پاکستان) را بر خود نگرفته بلکه نمایش رفراندم را برانداخته خدای خدمتگار به این دو معیار دوگانه استعمار اعتراض کرد و اظهار داشت که وقتی میان مسلم لاهی و کانگرس بر اصول تجزیه توافق بمیان آمد پس به رفراندم ضرورتی باقی نمی ماند. البته در صورتیکه برگزاری رفراندم ناگزیر باشد پس در انصورت برای پشتون ها واریانت سوسی انتخابات مبنی بر یکجا شدن با پاکستان یا ماندن با هند داده شود یعنی برای الترناتیف دولت آزاد پشتون ها نیز برای گهری صورت گیرد. مسلم لاهی و انگلیس ها این نظر را رد نمودند زیرا خواست آنها این بود که بهر قیمتی که ممکن است، پشتون ها را جز پاکستان بسازند.

وقتی خدای خدمتگارها دانستند که دام شمولیت حتمی پشتون هادر پاکستان گسترده شده است انگاه آنها از اشتراك در نمایش رفراندم منصرف شدند و در برابر تمام جریان رفراندم موضع بی تفاوت اختیار نمودند. از سوي دگر انگلیس ها و عمال مسلم لاهی، ملاها و فیودال های وابسته به آنها تلاش زیاد نمودند تا پلان رفراندم به موفقیت انجامید. بدین منظور افسران انگلیسی شخصاً به مجرّه های مردم رفته و برای زنان خود جادر طلب میکردند (که در رفراندم مشترك کوره و به جانبداري از پاکستان رای بدهند) و نیز زنان انگلیس به خانه ها رفته و برای رای دادن به زنان تضرع و زاری میکردند.

رفراندم با تقلب و جعل های به سابقه ای انجام پذیرفت. رای مرده ها هم به نفع پاکستان حساب گردید و بعضاً يك نفر ده ده رای داد و نتیجه این که بدست آمد، بتسرتیب ذیل بود:

- همه اشخاص واجد شرایط رای در سرتاسر ایالت - ۵۷۲۷۹۹
- تعداد رای دهنده در فرانسدم - ۲۹۲۱۸
- تعداد رای دهنده به نفع پاکستان - ۲۸۹۲۴۴
- تعداد رای دهنده به نفع هند - ۲۸۷۴

درین زمان تعداد کلی باشندگان صوبه سرحد به ۴۵۰ هزار نفر  
میرسید و نفوس مناطق قبایلی و دولت های سرحدی فیو دالی نیز ۳۵۰ هزار  
نفر بود . یعنی تمام نفوس پشتون ها به هفتصد هزار نفر میرسید و درین  
میان فقط ۵۷۲۷۹۹ نفر حق رای بدست آورده بودند که ازین جمله  
صرف ۲۸۹۲۴۴ رای انهم با تلقب بنفی پاکستان داده شد .

منطق و نمایش رفتارندم قدرت مندان مسلم لیگی پاکستان و ادعای  
اریابان امپریالستی شان مبنی بر اینکه پشتون ها با رضایت خود در پاکستان  
شامل شدند ، چقدر مهاون تمی و بی پایه است .

با وجود اینکه خدایی خدمتگار در ۲۲ جون ۱۹۴۷ قطعنامه ای را بخاطر  
دولتی آزاد پشتون ها در بنوبه تصویب رسانید لکن وقتی پاکستان بالایش  
تحویل گردید ( بخاطر باید داشت که سلطنت ظاهر شاه تا حدود زیادی در  
لحظه تعیین کننده سرنوشت پشتون ها موضع بی تفاوتی اختیار نمود ) بر  
چگونگی رفتارندم اعتراض نمود و سعی کرد تا در چارچوب یک پاکستان دموکری-  
اتیک حقوق پشتون ها ( همچنان سایر ملیت ها ) را تضمین نماید . اما  
از انجائیکه پاکستان بر اساس غیر دموکراتیک و توطئه های فرقه استعماری ایجاد  
شده بود لذا از ابتدای امر محمد علی جناح نخستین گورنر پاکستان ، حکومت  
قانونی و انتخابی داکتر خانصاحب را بر انداخت و حکومت اقلیت قیوم خان را به  
قدرت رسانید . از جمله ۵۰ عضو اسامبله ۳۳ عضو بحمايت داکتر خانصاحب  
۱۷۹ عضو بطرفداری قیوم خان قرار داشتند قبل از جناح لارڈ ماونت بیٹن گور-  
نر جنرال انگلیس به دلیلی چنین برخورد نکرد که هدف از رفتارندم اعتماد با -  
عدم اعتماد بر وزارت نبود و دود دیگر اینکه حزب اکثریت در اسامبله فرانسدم  
را تحریم کرده و اینکه جزای ده در برابر وزارت تقنین ( *Legislature* )  
میباشد و حکومت داکتر خانصاحب در اسامبله از اکثریت قاطع برخوردار است .

حکومت قہم خان بنوبہ خود بازار ظلم ، فشار و جبر را گم ساخت  
بر نہضت خدائی خدمتگار قیودات و تضحیقات وضع کرد و برگرد ہمایی آرام -  
و مسالمت امیز آنها در بارہ ( چارسدہ ) بارانی از گلولہ و مرمی بوجود آورد .  
صد ہا خدایی خدمتگار را بقتل رسانید ، ہزار ہا تن را بہ زندانہا و شکجہ  
گاہ ہا کشانید و داری ہای صد ہا تن فعالین را مصادرہ نمود . بہ ہزار ہا  
نفر ہتک حرمت نمودہ و برناموس زنان شان تجاوز کرد . بر مبارزین را ما زادی  
نام ( خائنن ) گذاشتہ شد و چنان عملی با آنها نمود کہ انگلیس ہا نکرہ  
بودند . ( ازادی ! ) بلای جسدان پشتون ہا شد . جای اربابان سفہ  
بوست را اربابان سپاہ پوست گرفت و اتہاماتی گونه گون چون اجنت ہای شوروی ،  
اجنت ہای ہند و اجنت ہای افغانستان برانہا وارد گردید .

نکتہ دیگری قابل یاد ہانی است و ان اینکہ خود قہم خان تا سال ۴۶  
در مخالفت با مسلم لیگ و پاکستان قرار داشت و کتابی تحت عنوان ( طلا و  
تفنگ ہا بر فراز سرحد پشتون ہا ) ( *Gold and guns of the  
Pothua Frontier* ) در مخالفت با پاکستان نوشتہ بود ، اما از آنجائیکہ اجنت جبرہ خوار استعمار  
گران بود لذا بہ اشارہ و دستور انہا در مسلم لیگ داخل گشت و همزمان  
با ایجاد پاکستان کتاب خود را مصادرہ نمود و بربک در کتاب ستودہ بود -  
اتہاماتی چون خابن و دشمن میمن وارد کرد .

پاکستان در نتیجہ سیاست ( تفرقہ بینداز و حکومت کن ) بر بنیاد  
تعصبات مذہبی بخاطر تا مین منافع مشترک بورژوازی مسلمان ، بہر و کراس و فہودال  
ہا بوجود آمد و از نیرو هیچ ملیتی نہ تھا زمینہ شگوفانی زبان ، فرهنگ و ہویت  
ملی خود را نداشت بلکہ حق مطرح ساختن ان را نیز نداشتہ و ندارند .

میمن پرستان پشتون سالہای سال در زندانہا پوسیدند و در ہن  
زمان بہر و کراسی حاکمہ پاکستان ( بہر و کراسی مسلط کراچی و پنجاب ، بہ نمایندگی  
از سرمایداران و فہودال ہای پاکستان غربی ) پس از درگیر ساختن پاکستان  
در پیمان ہای نظامی با امریکا بہ توطئہ خطرناک دیگری دست دراز نمودہ ۱۰ این  
توطئہ ہا مانا ایجاد ( ہک ہونت ) از چہار ایالت پاکستان غربی بود . این -  
توطئہ طوری آغاز یافت کہ مردم پاکستان شرقی ( بنگلہ دیش امروزی ) مسلم لیگ را

در انتخابات ایالتی ۱۹۵۴ شکست مفتضحانه داد و کاندیدان جبهه متحد را بشمول عناصر دموکراتیک به پیروزی رسانید . سرمایه داران و بیروکراسی کراچی و پنجاب پاکستان غربی به تشویش اندر شدند که اگر پاکستان شرقی که ( ۵۷ ) درصد نفوس کلی پاکستان را تشکیل میدهد با سایر ایالات پاکستان غربی ( سرحد ، بلوچستان ، سند ) یکی شود آنگاه به سلطه آنها برای ابد خاتمه می بخشد ازینرو پلان بایک تهرود و نشان زدن را ترتیب نمودند که از یکسو از شر اکثریت بنگال رهایی یابند و از سوی دیگر حقوق دو ایالت را زیر پا نهند و سرتاسر پاکستان غربی را برای سرمایه داران کراچی و پنجاب به بازار خالی از موانع ایالتی مبدل سازند . به این ترتیب پاکستان غربی را در سال ۱۹۵۵ بیک ایالت تبدیل کرده و بعداً پلان پهرتسی ( برابری ) ( ۵۰ پاکستان + ۵۰ پاکستان شرقی ) با پاکستان شرقی را تطبیق کردند .

همه مردم ایالات کوچک علیه پلان ( ( یک پونت ) ) قیام نمودند . و بویژه این پلان دامی دیگری برای به بند کشیدن پبنتون ها بود که آنها خود را دران درگیر دیدند . با ایجاد ( ( یک پونت ) ) مسئله ملی پبنتون ها حدت و شدت بیشتر یافت . از برخی حقوق کم و بیش سیاسی اقتصادی و اجتماعی و اداری نیز که صوبه سرحد به مثابه حکومت ایالتی داشت ، محروم ساخته شدند . حالا مردم برای یک کار کوچک بعوض - پشاور ، صد ها مین دور تر بشهر اجنبی ، لاهور میرفتند ، زیرا لاهور به مرکز ایالت پاکستان غربی مبدل گشت .

بخاطر احیاء حقوق ملی ملیت های تحت ستم پاکستان ، پبنتون ها بلوچها ، سندی ها و بنگالها ، الغای یک پونت و بخاطر خود مختاری ایالتی ، آزادی مبری از یمنان های امیرالایستی و مشی خارجی مثبت عدم انسلاک و بدست آوردن سایر حقوق دموکراتیک ، در سال ۱۹۵۷ - به ابتکار کمونیست ها حزب عوامی ملی ( نشنل عوامی پارتی ) با اشتراک همه نیروهای ملی و دموکراتیک ایجاد گردید که پبنتون ها تحت رهبری - عبدالغفار خان و بعداً ولیخان و دیگران دران فعالانه سهم گرفتند .

در سال ۱۹۵۶ در زمان صدارت چوهدري محمد علي (بهروكرات) قانون اساسی ساخته شد كه به حيثيت فرقه اي پاکستان شكل رسمى بخشيد . پاکستان جمهوري اسلامى اعلام گرديد و حقوق ايلات - كوچك همچنان بوسيله \* ((يكپونست )) غصب شده نگه داشته شد . اما در سال ۱۹۵۹ انتخابات عمومى بر اساس (( برابري )) در شرف تدوير بود اميرالهيتم امريكا و عمال داخلى ان وقتى ديدند كه اين انتخابات ممكن خلاف انتظار به نفع نبروهاي ملي و دموكراتيك برگزار خواهد گرديد ، لذا حكومت نظامى اي تحت رهبري ايوب خان بوجود آوردند و نبروهاي ملى دموكراتيك و بخصوص پښتون ها يك بار ديگر هدف تيرستم و اختناق گرديدند . هزاران تن به زندان انداخته شده و به معمار هاي مختلف تا ( ۲۵ ) سال - زندان محكوم شدند . داراى هاي شان مصادره گرديد و جنازه هاي ( ۱۷ ) تن از زندانهاي مختلف بهرون گرديد . ايوب خان پاکستان را - بيشتر از پيش به دامن اميرالهيتم امريكا افگند و اجازه داد تا پا يگاه جاسوسى عليه اتحاد شوروي در منطقه \* ((بلبا بهره )) پښتون ها - تا \* سپس گردد كه بعد ها در سال ۱۹۶۰ طياره جاسوسى يو - ۲ (م-۱۰۰) كه از همين با يگاه غرض جاسوسى پرواز كرده بود بر فراز خاك اتحاد شوروي سقوط داده شد . پس از اين رويداد پښتون ها بيشتر تحريك گشتند و شعارهاى عليه با يگاه هاي جاسوسى - نظامى - اميرالهيتمى در سرزمين خودش را علم كردند .

قانون اساسى سال ۱۹۶۲ ايوبخان نيز مهر خود را بر غصب حقوق پښتونها و ساير ملهت ها گذاشت . دوران رهاست جمهوري ايوبخان زمينه \* گسترده را براي تكامل بورژوازي بزرگ كمبرادوري بوجود آورد كه در نتيجه سبب نفرت ايلات كوچك و بويژه در بنگال شرقى سبب نفرت عليه حكومت مركزي گرديد و براي جدايى بنگله ديش راه را هموار ساخت .

در دوران ايوبخان ( ۱۹۶۱ - ۱۹۶۳ ) مناسبات با افغانستان تيره تر گرديد و پاکستان راه تشبث شده بسويه \* بين المللى ترانزيتى افغانستان را برويش بست و اين عمل احساسات پښتون ها را جريحه دار ساخت .

علاوه بر زمان های سیاسی و اداری ناشی از (( يك يونست )) اقتصاد پبستون ها در بستر در اختیار حکومت مرکزی (علا\* در اختیار - سرمایه داران و بهر و کراسی ملکی - نظامی پنجاب و کراچی ) بود و در بستر های ملکی مرکزی و ایالتی و خارجه و مو\* سسات خود مختاری و نیمه خود مختاری تقریباً هیچ نماینده\* نداشته\*ند . همه\* وسایل از زمرد گرفته تا انرژی برق تحت کنترل حکومت مرکزی قرار داشت . حکومت مرکزی به صد ها ملیون کلدان از محصولات زراعتی تکس میگرفت که در پنجاب نمونه ای از آن ذکر میشود :

در نیمه\* دهمه\* شصت بودجه\* منظور شده برای منطقه صوبه سرحد ۱۹۰ ملیون کلدان بود و در همین سال حکومت مرکزی از درک تکس تبا کو ( ایکسپرو دیوتی ) در صوبه سرحد ( ۴۲۰ ) ملیون کلدان بدست آورد .

علاوه بر این بر انرژی برق ، زمرد ، نیشکر ، نیروی بشری و غیره نیز حکومت مرکزی اختیار داشت .

در سرزمین پبستونها مو\* سسات صنعتی در خوار توجه ایجاد نشد . مواد خام و نیروی انسانی و حتی انرژی پبستونها به فابریکات مربوطه آن در کراچی و یا پنجاب برده و به مواد پخته مبدل میگشت . بطور مثال تبا کو در منطقه\* پبستون ها کشت میشود ، انرژی و کارگر هم مربوط پبستون ها ست ، حالا به عوض اینکه فابریکه\* تبا کو یا تولید سنگرت در صوبه سرحد تاء\* سپس گرفت این سه وسیله که مربوط به پبستونها است به کراچی یا پنجاب برده شده ( که هنوز هم این وضع دوام دارد ) و در آنجا فابریکه تاء\* سپس گردید . حتی برخی پروژه ها نیز که محل تاء\* سپس آن بوسیله\* متخصصین کشور کمک دهند ، صوبه سرحد انتخابات میگردد ، انهم به پنجاب و کراچی انتقال داده میشد . مثلاً ضمن ساختمان (( کپلکس سنگین انرژی برق )) به کمک اتحاد شوروی ، - متخصصین شوروی جمرود را انتخاب و تشبیت کردند ولی برخلاف مشوره متخصصین این پروژه به منطقه\* واه ( پنجاب ) انتقال داده شد .



المان فدرال ، سوات را براي توليد فراورده هاي چيني انتخاب کرد ( زيرا کارگرو مواد خام براي توليد چيني با ب درسوات موجود بود ) ، ولی حکومت مرکزی کارخانه را به گجرات ( پنجاب ) انتقال داد . بولند تجهیزات و ساپرکک ها را بمنظور تاء سمس کمپلکس چوب به (( دیر )) فرستاد اما همه این تجهیزات پوسید و دولت ارا ن به تاء سمس این کمپلکس هیچگونه توجهی نکردند .

موجز اینکه در زمان قدرت ایوب خان احساس محرومیت از حکومت مرکزی در بشتونها بیشتر از پیش نبرو گرفت . گرچه در زمان یحیی خان (( یک یونت )) لغو و اہالت ها احیاء گردیدند و به بلوچستان نیز حیثیت اہالت داده شد ، قانون برابری میان پاکستان شرقی و غربی از بین برده شد و انتخاب عمري برگزار گردید . اما احیاء اہالت برای مردم - صوبه سرحد صرفاً سهولت های اداری را ببار آورد . پس ازین مردم برای امور کوچک به لاهور نبرفتند بلکه بیشتر مسایل شان در بشارحل میگردد . برخی اختیارات از قبیل پولیس ، ارگان های محلی ، زراعت ، جنگلات ، مالیه و تکس فروش و غیره در دست اہالت قرار گرفت ، ولی همه امور ملهم مانند قوای مسلح ، امور خارجه تجارت میان اہالات ، سیاست خارجی ، مخا برات ، بست ، ببول معادن ، راه های اعم ، تکس انرژی و غیره همچنان در اختیار حکومت مرکزی باقیماند . با وجود اینها تا اندازه محرومیت قشر روشن فکر بشتونها را که به سبب تسلط کامل مرکز ( پنجاب و ما جری ن ) بر بست های اہالتی ازان محروم مانده بودند تقلیل داد و بخشی کوچکی از بورژوازی بشتون مطمئن گردید .

در نتیجه انتخابات عمومی دوران یحیی خان عوام لیگ شیخ - مجیب الرحمن در بنگال اکثریت مطلق کرسی های اسامبله سرتاسری پاکستان را بدست آورد . در پنجاب و سند حزب بوتواکثریت کرسی ها را ازان خود ساخت و در بلوچستان و صوبه سرحد نیپ ( N.A.P )



چون حزب اکثریت ظاهرگشت . در زمان جنگ آزادی بنگله دیش نشنل عوامی بارتی موضع مخالفت با وحشیگری های نظامیان در برابری بنگالی ها را اختیار نمود و بدینوجه حکومت پچیسی خان در ( ۲۶ ) ماه نوامبر ۱۹۷۱ بر این حزب قیودات وضع نمود و پبنتون ها در - پاکستان یکبار دگر بحیث دشمنان یاد شد ند .

پس از آزادی بنگله دیش و تجزیه پاکستان و بنا بر این حقیقت که بوتو در پاکستان غربی ( پاکستان کونی ) اکثریت آراء را بدست آورد و به نحوی از مردم نمایندگی میکند ، نزد ایالات کوچک و بویژه پبنتون ها این امید پدید گشت که ممکن مخالف حاکمه پاکستان از تاریخ درس گرفته باشند و لحظات محرومیت شان هر چه زود تر سببری خواهد شد . این ارزو وقتی بیشتر شدت گرفت که با بقدرت رسیدن بوتو قیودات از نشنل عوامی بارتی برداشته شد و رهبران این حزب ( ولی خان ، بزنجو و دیگران ) به مذاکرات دعوت گردیدند و تعهد سپرده شدند که ازین به بعد به دوران سیاست شیطانی گذشته بر نخواهد گشت و سیاست پاکستان نوین بگونه نوینی پی گیری خواهد گردید .

در ماه مارچ ۱۹۷۲ میان بوتو و نشنل عوامی بارتی با اضافه جمعیت - العلمای اسلام موافقت نامه ای به امضاء رسید . ( جمعیت العلمای اسلام ، حزب ملا های دارای عنعنات دیوبندی ضد امیرالمستسین در پبنتون ها بود که در انتخابات ۱۹۷۰ بعد از نپ بیشتر کرسی ها را بدست آورده و بانپ در ائتلاف بود ) .  
بر اساس این موافقت نامه حکومت های ایالتی نپ ( در ائتلاف با جمعیت العلمای اسلام ) در بلوچستان و صوبه سرحد تشکیل گردید .

بعد ها اشکار گردید که همه اینها ما نورهای بوتو و اردوی شکست خورده در جنگ بنگله دیش که حالا در عقب بوتو قرار داشت ، میباشند .  
که حد فشان التهام بخشیدن به زخمهای جنگ بنگله دیش و بدست آوردن زمان بود .

بوتو همه امکانات اقتصادي و اداري خود را بکار گرفت تا این حکومت  
ها را ناکام و بد نام سازد .

مناطق قبایلی بوسیده \* گورنر صوبه سرحد به مثابه نماینده  
مرکز اداره میشود ، اما گورنر نیپ اجازه مداخله در امور قبایلی را نداشت  
برخی امتیازات در زمینه معاف بودن تکس بخاطر تشویق سرمایه گذاری -  
در ایالات وجود داشت ولی وقتی حکومت نیپ به کار تشویق سرمایه  
داران بخاطر سرمایه گذاری در ایالت آغاز کرد ، بوتو این امتیازات را پس  
گرفت . بس از مصرف ملهون ها کلفدار در پروژه ابیاری و تولید  
انرژی برق گومل زامه در دیره اسماعیل خان ، انرا نیمه تمام گذاشت .  
و از تمویلی پول بهر خود داری نمود ، با وجودیکه ساختمان این -  
پروژه قبلاً منظور شده بود .

نمونه های زیاد دیگر فعالیت های سیاسی ، اقتصادي و اداري وجود  
دارد که حکومت مرکزی در جهت ناکام ساختن و بد نام کردن حکومت ایالتی  
انجام داد . طور مثال حکومت مرکزی به فراریان از جنگ قانون ایالتی -  
بنا هندی می داد .

بوتو در صدد بدست آوردن بمانه برای حکومت های ایالتی بسود  
با لایحه زهر نام خطر به امنیت عامه و افشایی توطئه بدست آمدن اسلحه  
در سفارت عراق و عنوان کردن اینکه این اسلحه برای نشتل عوامی بارتسی  
وارد میشد ، حکومت نیپ را در فبروری ۱۹۷۳ در بلوچستان برانداخت  
و در نتیجه در صوبه سرحد نیز حکومت ایالتی نیپ از بین رفت .

در انتخابات سال ۱۹۷۰ یک عضو پیپلز پارتی هم در بلوچستان به مؤفقیت  
ترسید ه بود و در صوبه سرحد فقط سه تن که یک نفران هم به کمک نیپ  
بهر وز شده بود ، که در انتخابات برنده شده بودند . درین دو ایالت حکومت  
های پیپلز پارتی تشکیل گردید .

برای دومین بار این احساس به بینتون ها دست داد که اگر در انتخابات هم

مؤفق گردند ، به نسبت اینکه در اقلیت هستند از نیرو در ایالت خویش حکومت خود را برپا کرده نمیتوانند . گرچه در دید آمدن اختلافات میان نیپ و پهلزارتی ، قوای مسلح ، امپریالیزم و بویژه رضا شاه پهلوی شاه ایران دست داشتند ولی این رویداد آنها را نسبت به حکومت مرکزی پاکستان بی باور ساخته و آنها را بیشتر متأسف گردانید .

برای نخستین بار در سال ۱۹۷۳ قانون اساسی ای در پاکستان نافذ گردید که اعضای اسامبله نمایندگان انتخاب شده مردم بودند . رهبری نیپ با در نظر گرفتن برخی ملاحظاتی ( Reservations ) علمی-رغم عدم رضایت رفقای مترقی و کمونیست به نفع قانون اساسی رای داد . این قانون سیکولرنی بود بلکه ماده های زیاد فرقه ای و مذهبی داشت و بدین علت کمونیست ها بر این ماده ها شفیقانه اعتراض نمودند . قانون اساسی کیمبار دیگر از هویت ملیت های ساکن در پاکستان انکار و چشم پوشی کرد و مبارزه سیاسی بنام ملیت ها خلاف اساسات قانون و پاکستان تلقی گردید .

بشمول امور دفاع ، خارجه ، امور پولی ، مالی ، مخابرات ، -  
تجارت خارجی و فیما بین ایالات ، مساعدت ها ، بنادر ، میدان های -  
هوایی ، امور بانکی ، بیمه ، انرژی هسته ای ( ۵۹ ) موضوع ( در قدم اول )  
و هفت موضوع ( در قدم دوم ) تحت کنترل مشترک ایالات و مرکز قرار گرفت  
که عملاً در اختیار مرکز بود . اختیار بقیه امور چون زراعت ، جنگلات ، -  
تجارت داخلی ایالتی ، ارگان های محلی ، پولیس ، ملیشاه و غیره به ایالات  
واگذار شده شد .

قانون اساسی ۱۹۷۳ بهیچ وجه جوابگوی خواست بنیادین ها و محرومیت  
انها نبوده و نیست . زیرا بوتو در جریان حکومت خویش ماده های زیاد -  
دموکراتیک این قانون را تعدیل نمود .

بلوچها پس از براندازی حکومت خویش به عملیات گریلا پی علیه اردوی  
تجارت و زراعت و غاصب پاکستان دست زدند . بنیادین ها نیز برخاستند و جوانان  
به فعالیت های گریلا پی شهری کمر بستند . این زمان بود که بر رهبری داود

خان در افغانستان کودتا صورت گرفته و با انجام برخی اقوام های دموکراتیک و اظهار همبستگی با مبارزات پښتون ها و بلوچها نزد شان دوباره امید واری بدید گردید .

داؤد خان در اوایل دوران دموکراتیک حکومت خود یعنی وقتیکه تا هنوز در جهت ارتجاع و امبرهالیزم نسه خزیده بود ، مبارزات پښتون ها و بلوچها کم های عمل نمود . تعداد زهاد پښتون ها بمنظور فراه گرفتن تعلیمات نظامی و تنظیم فعالیت های محاربه ای علیه حکومت مرکزی پاکستان به افغانستان وارد شده و مناسبات مستحکم برادرانه پښتون های انسوی مرز با افغانستان یکبار دیگر تجدید گردید .

در فبروری سال ۱۹۷۵ بر فعالیت نیپ قهودات وضع گردید . رهبران فعالین و جوانان پښتون با عمر زمان دموکرات بلوچس ، سندی پنجاب خود که به هزاران تن میرسید ، به زندان ها افگنده شدند و یکبار دیگر مهر (( دشمن )) بر پښتون ها زده شد . عده به شمار جوانان تحت شکجه قرار داده شدند . و سلسله مصادره دارائی های شان سرانوا افزایش یافت ، مهن یرستان پښتون به کوه ها و افغانستان فراری و متواری شدند و رهبران و جوانان شان در زندان حیدرآباد به اتهام (( خیانت )) تحت محاکمه قرار گرفتند . این ها همه از مون دیگری از رنج ها و عذاب برای پښتونها بود . جای تعجب درین است که چنین برخورد از طرف حکومت با انها صورت میگرفت که مردم سند و پنجاب به ان رای داده و نخستین اداره انتخابی در پاکستان بود .

برخی گام ها و اکت های دموکراتیک بوتوبا وجود اقدامات ظالمانه و شرم آور پښتون ها و بلوچها و برخورد دما گوژیک و دیکتاتور منشا نسه ، مورد پسند امبرهالیزم قرار نگرفت و نتیجتاً رژیم دکتاتوری نظامی دیگری بر مردم پاکستان تحمیل گردید .

هر رژیم دیکتاتوری و بویژه دیکتاتوری نظامی تمام اختیارات و صلاحیت ها را در دست خود متمرکز میسازد و چنین تمرکز قدرت در - کشور کثیرالملیه ای چون پاکستان موجب از تشدید احساس محرومیت ملت ها را در قبال دارد .

رژیم ضیا الحق احساس بهگانگی را در همه ایالات و بویژه در سند ، بلوچستان و صوبه سرحد ژرفتر ساخت . تا مدت ضیا الحق مردم پاکستان را به وعده های دروغین تدویر هر چه زود تر انتخابات عمومی و تفویض حکومت به نمایندگان انتخابی مردم ، فریب داد ، مگر بزودی چهره \* یلهد دیکتاتوری اشکار گشت . همه مردم بشمول پبنتونها درک - کردند که رژیم ضیا الحق اصلاً بمنظور پیش بردن اهداف ستراتیژیک امپریالیزم امریکا \* بمیان آمده و هدف از وعده \* تدویر انتخابات صرفاً \* فرونشاندن خشم مردم است .

قبل از اینکه وضع پبنتونها را در پاکستان بعد از بهروزی انقلاب شور و بخصوص مرحله \* نوین تکاملی آن بررسی نمائیم . بهتر است تا نکاتی چند بهرامون محرومیت آنها در عرصه های مختلف ارائه کنیم :

#### ۱) در عرصه اقتصادی :

در مناطق پبنتونها معادن زیادی موجود است که انرا عملاً حکومت مرکزی در دست دارد . تنها عاید زمرد سوات که به مقدار بسیار زیادی - استخراج میشود زمرد مناطق قبایلی ( برنگ و مومند ) به ملهارد ها کلسدار میرسد که به جهت حکومت مرکزی سرازیر میگردد .

حکومت مرکزی از محصولات زراعتی بخصوص تنباکوملهارد ها کلسدار تنکس میگیرد از سویی دیگر از حاصلات برنج و بنبیه پنجاب مالیه اخذ نمی کنند .

در صوبه سرحد نیشکر و لبلبو حاصلات فراوان میدهد مگر با انهم  
بوره را تورید مینماید . در صورتیکه اگر در صوبه سرحد فابریکات دیگری  
شکرا احداث گردد از یکسو قلت بوره رفع میگردد و از سوی دیگر ببتونها  
منفعت میکنند . ولی حکومت چنین اقدام نمی کند .

صوبه سرحد از نظر انرژی برق منطقه نهایت غنی است . از سد  
های ملاکند ، وارسک و تربله ملهون ها کیلووات ساعت برق تولید میگردد  
که به نسبت محدود بودن مؤسسات صنعتی و کمی نفوس قسمت بهیستران -  
در پنجاب و کراچی بمصرف میرسد با وجودیکه تولید برق در صوبه سرحد  
ارزان تمام میشود ولی حکومت بهای انرا در سرتاسر کشور یک اندازه تعیین  
نموده است . طور مثال اگر این قرن به حساب بهیگی سان ۱۹۷۵ سنجش  
شود انگاه مسئله روشن میگردد .

بهای فی واحد برق تولید شده از پروژه ملاکند هایدرو الکتریکل یک پیسه  
بهای فی واحد برق تولید شده از پروژه ملاکند دلدشپور = ۲۷ پیسه .  
بهای فی واحد برق تولید شده از پروژه ملاکند ملتان = ۲۳ پیسه .

بیشتر شاخه های دریا های سند ، کابل و اباسین از صوبه سرحد عبور  
میکند و نظریه قانون بین المللی در استفاده از ان ببتونها حق اولیت دارند  
مگر در ضلع های جنوبی صوبه سرحد ( کوهات ، بنو و پره جات ) مناطق  
وجود دارند که آب نه تنها برای زراعت نمیرسد بلکه ببتونها غرض بدست  
آوردن آب اشامیدنی ده ها کیلومتر دورتر میروند .

سیالهای زیادی میگذرد که احداث پروژه ابیاری گومل زام و کشیدن  
کانال از جناح راست نخیره اب اباسین در دیره جات منظور گردید ،  
ولی حکومت های مرکزی تا کنون نسبت بدیتی انرا تکمیل نکرده اند .  
حتی حکومت نپ در صوبه سرحد تقاضای استفاده ده هزار متر مکعب اب از  
جمله ( ۲۲۰۰ ) متر مکعب اب دریای کابل را به حکومت مرکزی ارائه داشت  
مگر حکومت به بهانه از رده شدن پنجاب از دادن این مقدار اب شانه خالی  
نمود . از سد تربله شبکه ای مشتمل از بولند کابل به پنجاب امتداد یافته -  
است و از جمله احداث یک کانال کوچک برای صوبه سرحد منظور گردید که انهم عملی نشد .

وضع صنعتی ساختن اهالت از این هم بجهت ترونا هنجارتر است  
مواد خام مناطق پنبتونها به فابریکات کراچی و پنجاب انتقال داده میشود  
و کارگران پنبتون نیز از محلات خویش غرض کار به انجاها میروند .  
( و یا به اما رات خلیج کارهای شاقه و سنگین را اجرا می کنند ) .  
مراجعه به يك احصائیه تازه تصویر روشن بما میدهد . از سال ۱۹۶۰ تا  
سال ۱۹۸۲ در بخش سکتور خصوصی ( ۴۰۸۲۰۰ ) ملین کلداسرمايه  
گذاري صورت گرفت که از جمله صرف ( ۵۰ ) ملین کلداسرمايه ان در صوبه  
سرحد بمصرف رسید یعنی درصد ۵۰ در سرتا سرپاکستان دو هزار  
واحد انجنیري وجود دارد که فقط ( ۱۴ ) واحد ان در صوبه سرحد واقع  
است در حالیکه در سکتور دولتی يك واحد هم وجود ندارد . بمصوبه  
سرحد فر واردات و صادرات کلی کشور در دو سال مالی گذشته  
( ۱۹۸۱ - ۱۹۸۲ - ۱۹۸۳ - ۱۹۸۳ ) ۸۲ ره و ۸۷ ره درصد بود  
در طول سال ۱۹۸۲ - ۱۹۸۳ بانک های تجارتي در سرتا سرپاکستان  
در حدود ( ۷۴۹۵۵ ) ملین کلداسرمايه گذاري نمودند که از سهم صوبه  
سرحد فقط ( ۷۷۵۰۹ ) ملین کلداسرمايه یعنی ( ۰۳ ) را درصد بسود .  
سه مؤسسه مالی پاکستان ( اي ، سي ، بی ) ( انوسهمنت کارپوریشن  
اف پاکستان - کارپوریشن سرمايه گذاري پاکستان ) ، پیک ( پاکستان  
اینده ستیری کرپت اند انوسهمنت کارپوریشن شرکت صنعتی ، کرپت  
وسرمايه گذاري پاکستان ) ، اي - دي - بی - پی ( اندسته ریل پور  
لیمنت بینک اف پاکستان - بانک انکشاف صنعتی پاکستان ) در سرتا سرپاکستان  
بالترتیب ( ۹۱۷ ) ، ( ۵۵۶ ) و ۶۰۱ ر ۹۴ ملین کلداسرمايه  
گذاري کرده است که سهم صوبه سرحد ازین جمله فقط ۷۲۵۰ -  
۴۷۴ و ۶۰۱ ر ۹۴ ملین کلداسرمايه .

#### ۴۴۴ - فرصه بهره کراسی و اداری :

صوبه سرحد در بست های مرکزی داخلی و خارجی ، تهر و های  
بحری و هوایی ، ادارات خود مختار و نیمه خود مختار پاکستان بیشتر از  
( ۲۴ ) درصد نماینده ندارد . سهم نمایندگی پنبتونها در تهر و های

زمینی پاکستان تقریباً ده درصد یا کمی بیشتر از آن می‌رسد . زمانی تعداد افسران پنتون در نیروهای زمینی پاکستان زیاد بود مثلاً در اوایل حکومت ایوبخان از جمله سیزده تن جنرالهای نیروی زمینی هفت تن آن پنتون بودند و اکنون از جمله تقریباً ( ۵۵ ) تن جنرال ها تن آن پنتون اند .

### ۳ ) در عرصه فرهنگی :

اساس پاکستان بر مذہب استوار است و اساس امت و ملیت، اسلام و پاکستان میباشد از نیرو هیچ ملیتی در آن بر سمیت شناخته نشده است و کسی که از موضع ملیت صرف میزند یا مبارزه میکند قانوناً مستوجب جزا میباشد . پنتون ها اجازه تبارز دادن هویت و شوگوفانی فرهنگ خود را ندارند . زبان انگلیسی زبان دفتری است که از استعمار بهراث مانده ، است و زبان اردو که زبان هیچ کدام از ملیت های پاکستان نیست بزبان ملی پاکستان مبدل ساخته شده است . برای پنتون ها آموزش بزبان مادری شان میسر نیست . از نیرو و وسیله آموزش فقط زبان اردو میباشد . زبان پنتو دریملوی زبان فارسی بحیث یک مضمون اختیاری ( انتخابی ) تد ریس میگردد . در پوهنتون پشاور ادبیات فارسی ، دیپلوم ماستری داده میشود . بهمین گونه دیپارتمنت زبان پنتو نیز وجود دارد ولی با یک تفاوت ، وان اینکه هنگام تد ریس ادبیات فارسی ( همچنان انگلیسی اردو ، عربی و غیره ) همه شخصیت های ادبی فارسی زبان چون حافظ ، خیام و سعدی تد ریس میگردد مگر در ادبیات پنتو سعی میشود بعضی خوشحال ختک و پیروشان صرف ترجمه های علامه اقبال والطف حسین از اردو به فارسی تد ریس میگردد و بدین ترتیب به ادبیات پنتو نیز رنگ پاکستانی و (( اسلامی )) داده میشود .

در پشاور اکادمی پنتو موجود است که در قسمت زبان پنتو ادبیات و تاریخ (( بی ضرر )) ( آنچه که خلاف (( نظریه پاکستان )) نباشد برخی کارهای قابل قدر انجام داده است مگر درین جا هم بصورت عموم



تلاش هایی در زمینه قرار دادن زبان و ادبیات پشتو در چارچوب  
وقالب ( اسلام ) و ( پاکستان ) جریان دارد زیرا این اکادمی اصلاً  
بهمین منظور ایجاد گردیده است .

درین خصوص حادثه دلچسبی را ذکر میکنیم : در اواخر سالهای -  
شصت در تیکست یک مورد ( اداره که برای مکاتب ( سلهبس ) یا موضوعات درسی  
را تعیین میکند ) براین موضوع بحث جریان داشت که آیا در مضمون پشتوی  
مکاتب خوشحال ختک را شامل کنند یا نه ، رئیس مورد نظر داد که ( خوشحال -  
خان نسبت به عبدالغفار خان خطرناکتر است ) ، ازین لحاظ باید در سلهبس  
با ( موضوعات درسی ) شامل نگردد .

فرهنگ و تاریخ پشتون ها در پاکستان مسخ میشود و تلاش صورت  
میگیرد تا قهرمانان تاریخی ملی پشتون ها بدنام ساخته شوند و با نظریه  
ضرورت خویش آنها را بشکل تحریف شده معرفی بدارند . از تاریخ و کتب  
تاریخ که بگذرم کتاب ( جغرافیه پاکستان ) برای محصلین کالج در پیش نظر  
من به زبان انگلیسی نوشته شده است . در این کتاب ضمن معرفی  
صوبه سرحد کرونولوژی مختصر تاریخی ای ارائه گردیده است که از ذکر حکمروائی  
دوران درانی ها در مناطق پشتون ها خود داری شده ولی از حذف این -  
دوره مستقیماً از حکومت سک ها ورنجیت سنگهه تذکر بعمل آمده است .

وضع زبان پشتو به قراری است که در مناطق پشتون هیچگونه روزنامه  
رساله یا محله به این زبان وجود ندارد . بر طبع و نشر کتب پشتو سانسور  
شدید وضع گردیده و آن کتابی که علیه سیاسی بی منطق فرهنگ پاکستان  
موجوده باشد ، در قدم نخست اجازه چاپ ندارد و در غیران اجازه فروش  
ان را نمیدهند .

#### ۴- در عرصه سیاسی :

---

بجز ازان اقلیتی که در میان طبقات حاکمه پاکستان جاي کوچکی بو امر خود دست و پا کرده است، بقیه همه پشتون ها در منطقه خود پا در - امر پاکستان خود را محروم احساس مینمایند . دیکتاتوری نظامی همه مردم پاکستان را از حقوق سیاسی محروم ساخته است ولی تجربه تاریخ نشان داده - است که حتی به نمایندگان انتخاب شده پشتون ها نیز اجازه داده نمیشود تا به حقوق قانونی خود دست یابند . تجارب سالهای ۱۹۴۷ و ۱۹۷۳ - شاهد گویای این حقیقت است .

انها حتی در پاکستان هم خود را بارچه بارچه میبینند و این بارچه ها به نسبت عدم موجودیت خود مختاری ایالتی خود را زهر سلطه سیاسی اقتصادی دیگران احساس مینمایند . از نیرو تا کون در پشتون ها احساس (وطنپرستی - پاکستانی ) ریشه نگرفته است زیرا آنها تا هنوز به پاکستان چون میهن خود دل بستگی ندارند .

رویداد های سند در وجود فعالیت نهضت دموکراتیک که بوسیله نهضت اعاده دموکراسی ( ام . ار . دی ) در سال گذشته ( ۱۹۸۳ ) آغاز یافت این واقعیت را بار دیگر ثابت نموده که مساله ملی ملیت ها در پاکستان بجه اندازه عمیق و درخور اهمیت است .

#### انقلاب ملی دموکراتیک نور و پشتون ها :

---

انقلاب نور با استقبال بیسابقه توده های پشتون روبروگشت . برای نخستین بار در تاریخ آنها در بخش از سرزمین پشتون ها چنان دگرگونی ای را احساس کردند که از یکسو به مسایل مربوط به محرومیت های اقتصادی، اجتماعی آنها پاسخ میداد و از سوی دیگر آنها در نیروی پشاهانگ این دگرگونی هویت ملی خود را بوضوح مشاهده میکردند . بدینگونه احساسات شان بر -

انگیخته شده و احساس همبستگی و برادری خود را به اشکال مختلف با انقلاب و کشور تاریخی خود ابراز داشتند.

مکتب‌داد اصلاحاتی (بخصوص اصلاحات زمین) که پس از انقلاب صورت گرفت و بعثت ساختار اجتماعی، اقتصادی عقبمانده جامعه افغانی قابل‌عضم و مطابق شرایط عینی و زمانی نبود، در مناطق دهقانی پشتون‌های انسوی سرز با استقبال وسیعی مواجه و تبلیغ گردید و این حقیقت‌انها را برای مبارزه و راه بدست آوردن منافع طبقاتی شان وا داشت.

اختلافات در حزب و بخصوصی توطئه‌های که برهبری امین صورت گرفت اثرات منفی نیز بجا گذاشت و جوش و خروش آنها را به اندازه کافی کاهش داد.

از سوی دیگر انقلاب شور تمام نقشه‌ها را تغییر داد و بعداً کسب استبداد خانواده پهلوی در ایران خاتمه پذیرفت نگاه اهمیت جغرافیائی، سیاسی پاکستان در نظر امیرالینم، بخصوص امیرالینم امریکا بیشتر از پیشش گردید و پشتون‌ها و بلوچ‌ها از نظر موقعیت خود و به نسبت داشتن مناسبات ملی تاریخی با افغانستان در مرکز توجه بخصوص امیرالینم قرار گرفتند. بدین علت بود که امیرالینم نیروی خود را بکار انداخت تا به کمک فعال زمامداران نظامی پاکستان از سرزمین پشتون‌ها علیه انقلاب شور به اساس مداخله آغاز نماید.

کمک‌ها و مساعدت‌های اتحاد شوروی با انقلاب و مردم افغانستان نقش خود را در خصلت شکست ناپذیری انقلاب شور ثبت نمود. مرحله نهم انقلاب درجهان، منطقه و بخصوص در پاکستان با عکس‌العمل بیسابقه مشترک امیرالینم و ارتجاع مقابل گشت، آنها در تلاش این شدند تا با استفاده از این بهانه یعنی موجودیت عساکر شوروی در افغانستان پلان‌های شوم خود را پماده نمایند.

با پیروزی مرحله نهم انقلاب در افغانستان رگ‌های اسلام‌امیرالینم و ارتجاع بحرکت درآمدند، در بین پشتون‌ها تبلیغات گسترده‌ای علیه اتحاد

شوروي و دولت انقلابي افغانستان تحت عنوان ( اسلام در افغانستان در خطر است ) اتحاد شوروي افغانستان را اشغال کرده است ) و بعداً -  
نوبت پشتون است ازهنرو باید با جهاد ( مردم افغانستان ) مساعدت  
صورت گیرد ) ، در گوشه و کنار آغاز گشت . ارتجاع داخلی و خارجی و -  
امیرالینم سعی نمودند تا پشتون ها را برضد اتحاد شوروي و کمونیزم وادارند  
بمنظور ابراز همدردي با مهاجرین افغانی شباهت های تاریخی از تاریخ  
اسلام ساخته و پرداخته شد مانند اینکه مهاجرین افغان عمان ( مهاجرین  
مکه ) اند و پشتون ها باید نقش ( انصار ) را ایفا نمایند با اینکسه  
مهاجرین از ( دارالحرب ) یعنی افغانستان به ( دارالاسلام ) یعنی پاکستان  
پناه برده اند .

تا مدتی امیرالینم و ارتجاع از احساسات عقبنانده پشتونها در مناطق  
قبایلی بفتح خویش استفاده نمودند اما تیغ اسلام رویه کندي نهاد و پشتونها  
و بخصوص پشتون های قبایلی به حقیقت ( جنگ اسلام و کفر ) در افغانستان  
پی برورند .

امیرالینم های امریکایی در پهلوی عنوان کردن اسلام و کفر در -  
تبلیغات خویش به دادن کمک های مخصوص برای امور ( انکشافی ) پشتون  
ها و بویژه پشتون های قبایلی پاکستان آغاز نمودند . آنها در مناطق مختلف  
پشتون ها و زیرنامه های مختلف مراکز اطلاعاتی ایجاد نمایند ، و اگر موفق گردند  
عناصر سیاسی پشتون ها را در بدن رشوت و سایر امتیازها تا سیاست خویش  
می سازند . در قلعه لواری میان مناطق مختلف قبایلی مانند وزیرستان  
کرم ، خیبر ، باجوړ ، دیر و چترال به تشکیل تاسیسات نظامی ، -  
جاسوسی دست میزنند . همچنان حکومت نظامی تلاش میوزد تا در مناطق  
قبایلی چنان دامی ازسرك ها ایجاد نماید تا از یکسو به ( آزادی ) -  
غنائوی قبایل خاتمه بخشند و از سوی دیگر همه نقاط ستراتژیک را با یکدیگر  
وظف کند . یک بخش معتابھی از نیروهای مسلح اسلام آباد به مناطق قبایلی  
و در نقاط ستراتژیک نزدیک این مناطق منتقل شده است . پاکستان به کمک و -

تشویق امپریالیزم امریکا عقد قرارداد عدم تجاوز را با هند به خاطر -  
پیشنهاد نموده است تا نیروهای مسلح خود را که بخش بیشتر آن در نزدیکی مرز  
با هند متمرکز شده است ، فارغ ساخته و به سرحدات غربی یعنی سوی -  
افغانستان انتقال دهد .

تورنجبران فضل حق گورنر صوبه سرحد نماینده خاص امریکا است و  
چنان برخوردار ی با وی دارد که زمامدار یک کشور مستقل باشد . از اینرو سرمایه  
وژه ای در اختیارش قرار داده شده که انرا بصورت عاجز و فوری در مناطق -  
قبایلی در مناطق پشتون عا و بخصوص در مناطق قبایلی مصرف مینماید این سرمایه  
بخصوص علاوه از آن پولی است که امریکا و حکومت پاکستان انرا در سایر امور عادی و  
غیر عادی بمصرف میسرانند .

امپریالیزم امریکا همه تلاش ها را به کاربرد تا انقلاب ثور را در -  
افغانستان با شکست روبرو سازد و بخاطر برآورده شدن این مامل به حکومت  
نظامی پاکستان در ستراتیژی خود نقس عمده را تفویض نمود ولی این حقیقت به  
زودی آشکار گشت که این همه تلاش های شوم به نتایج مطلوب نمیرسد انگاه  
به تلاش های خود به این بهانه ادامه داد که ( اشغال افغانستان ) برای  
اتحاد شوروی به بهای سنگین تمام شود و مهمتر از همه اینکه انقلاب ثور -  
لااقل در درون سرحدات فعلی باقی بماند و دیوار بزرگی از ( خط دیورند )  
بوجود آورد و پشتون ها را طوری تلقین نماید که گویا کمونیزم و اتحاد شوروی دو  
پدیده بسیار نامطلوب و بد اند . ولی برای برآورد ه شدن این منظور اسلحه -  
( اسلام ) مدت زیادی کارندافه و نمیدهد انگاه سعی ورزید تا کمک های اقتصادی  
و دالر خود را با ان همراه سازد . همراه با این امپریالیزم ها درصد ان -  
برآمدند تا وقتی بوسیله این کمک های اقتصادی و تلاش های دیگر احساسات ملی  
پشتون ها را هماهنگ نسازد و از طریق ناسیونالیزم راستگری پشتون ها به هدف  
رسند ، جلو سهل خروشان انقلاب ثور را سد کرده نمیتوانند . با وجود  
انبوهی از تلاش ها و کوشش عا امپریالیزم های امریکا و بویژه ایدئولوگ های  
زرتنگ و کارفهم و دوراندهش امپریالیزم امریکا بقا ، منطق و ساختار موجود  
پاکستان را که بنیاد های فرقوی - مذهبی دارد ، مانع و سد راه تلاش خود -

مهدانند .

گروهی از امپریالیستها که (ژورنالیستی) چون سلیک لیس هرپس از آن نمایندگی میکند به این اندیشه افتاده اند این اندیشه تا حدود زیادی در غرب و امریکا از محبوبیت برخوردار گردیده است - که فقط از طریق قابل شدن حقوق ( ملی ) به پشتون ها ( همچنان به بلوچها میتوان جلو کمونیزم و اتحاد شوروی را گرفت . یعنی امپریالیزم میکوشد تا ناسیونالیزم به پشتون ها را در برابر ترقی و سوسیالیزم قرار دهد . مقصد آنها هیچگاه ایجاد یک پاکستان کثیرالطلبه و دادن حقوق دموکراتیک به همه مردم نبوده است بلکه هدف آن متحد ساختن بورژوازی و سایر اقشار محروم پشتون با خود و قرار دادن آنها در برابر انقلاب میباشد در حالیکه در وضع فعلی افغانستان باید آنها را در پهلوی خویش قرار دهد .

درین جا بی جهت نخواهد بود که از کتاب سراولف کپروبنام - ( پش-تونها ) ( *The Pathans* ) که در سال ۱۹۵۸ برشته تحریر - درآورده است از بخش اختتامیه آن ( *Epilogue on Russia* ) اقتباسات چند که به موضوع ارتباط دارد و آنرا چند روز قبل از مرگش ( نوامبر ۱۹۸۱ ) بر کتاب افزوده است ، بنمایم . ( کپرو ) در پست های مختلف در صوبه سرحد از طرف استعمار انگلیس گمارده شده و در زمان تجزیه هند گورنر صوبه سرحد بود . کتاب وی بسیار جامع عالمانه و تحقیقی است البته نتیجه گیری سیاسی اش تابع سیاست استعمار انگلیس میباشد . نامبرده ازین منطقه و بخصوص از مناطق پشتون ها شناخت کامل داشته و چنان نتیجه گیری های - بنفع امپریالیزم کرده است که حتی جان نور سردالاس به صحت - ان معترف بود نامبرده در کتاب خود سرنوشت پشتونها را به پاکستان وابسته دانسته و مبلغ شمولیت پشتون ها به پاکستان و یک وسیله ای بود از جمله دیگر وسایل .

پس از اظهار تاثیر از قدرت درانی ها در بخش واپسین کتاب خود نامبرده اعتراف مینماید که همه چیز حالا در منطقه دگرگون شده است . ضمناً

کپرو در نتیجه تجزیه نیمتاره هند در سال ۱۹۴۷ که عاملین آن استعمارگرانی چون خود وی بودند بطور غیر مستقیم اظهار تاسف میکند و مینویسد که حالا آن تصور واحد که هند بوسیله هندوکش، همالیا و بحر هند مسئول بود، وجود ندارد و براینکه پیشنهاد ایوب خان مبنی بر دفاع مشترک از طرف نورو رد شد نیز متاسف بوده و تاکید میورزد که خط نام نهاد دیورند خود مرز مسئولیت هند است که هند انرا به نسبت داشتن کشیدگی ها با پاکستان چنین نمی داند.

در مورد مناطق قبایلی مینویسد: ( بوژه منطقه قبایلی که در -  
حدود اداری و خط دیورند واقع میباشد در بسیاری موارد يك السیشیا -  
( یعنی مسلح و آزاد است و تصور تعالی آن در جهت شرق  
یا غرب، در جهت کابل یا اباسین می رود ) ( پس از اشاره به اهمیت این منطقه  
نامبرده به روش قبایلی ها توجه معطوف میدارد ) ، فاکتور دیگری وجود دارد .  
روش قبایلی پشتون - که از نظر نژاد، زبان و مذهب افغانی است - برای کابل  
جنبه حیاتی دارد . افراد و نیروهای برجسته ای در آنها وجود دارند که  
بر اذهان و فعالیت ها در افغانستان تاثیر گذاشته میتوانند . درین میان -  
متفقد ترین برادران به خانواده خان داکتر خانصاحب و عبدالغفار خان بودند  
در باره اولی ( خانصاحب ) که زمانی صدر اعظم من بود و متاسفانه در سال  
۱۹۵۸ بقتل رسید ، بعداً صحبت خواهم کرد ، دومی که زمانی بس -  
( گاندی سرحد ) مشهور و در هند نیز از احترام زیاد برخوردار بود ، سنش به  
نود سال رسیده و تا کتون نیز زنده است . وی با رژیم های نظامی اسلام آباد  
سازش ناپذیر بود و دو سال را در افغانستان و عموماً در جلال آباد بحیث  
يك مهمان محترم سیر می نموده است . قرار اطلاع وی با ببرک ( کارمل ) رهبر جناح  
پرچم و زمامدار مفهومی شده به پشتیبانی روسها روابط نزدیک داشته است  
ولی روابط وی با نیروهای اشغالگر شوروی روشن نیست و چگونگی وفاداری حتمی  
وی به تصمیم خودش ارتباط دارد . پسرش ولی خان که شخصیتی وطنپرست  
و شعور پشتون میباشد ، چنان شخص است که به تناسب پدرش نسبت به  
امور و سیاست جاری بیشتر روش عملی داشته و برای همه اینها حیثیت  
کلیدی را داراست . غرب در مورد این وفاداری به فهم زیرکانه بیشتر  
نیاز دارد . ( . . . . . )

( کپرو ) از این امر اظهار رضایت مینماید که وضع در منطقه قبایلی در زمان بوتو تغییر نمود گرچه این تغییر در نتیجه سرنگونی رژیم سلطنتی افغانستان بمیان آمد با به قدرت رسیدن بوتو وضع در سال ۱۹۷۲ چنانچه ذکر گردید بجواب پیشرفت هاییکه در افغانستان صورت گرفت ، تغییر نمود ) . نامبرده بر احداث پروژه های نظامی ، اقتصادی و سیاسی در مناطق قبایلی تاکید مینمورد .

واضح است که امپریالیزم همه وسایل را علیه انقلاب افغانستان به کار می بندد و وسیله مهمی را که بصرای این منظور تا کون بهزرف نموده ، همانا ناسیونالیزم ملت پشتون میباشد و درین امر امپریالیزم بر رشد کمیسیت پشتون های انسوی مرز انکشاف ساختار اجتماعی - اقتصادی و پوتنسیال ذخیره شده آنها تکیه مینماید .

مگر مقابله در برابر موفقیت چنین چلنج شوم امپریالیزم ، تا حد زیادی به تحکیم ، نیرومندی و انکشاف روند انقلابی در افغانستان ، ملی ، زبانی و سیاست مطروحه دولت انقلابی در قبال پشتون های انسوی مرز بستگی دارد .



## احزاب سیاسی :

- در مناطق پشتون ها احزاب مورد توجه ذیل وجود دارند :
- ۱- نشنل دموکراتیک بارتی ( حزب دموکراتیک ملی ) ( N.D.P )
  - ۲- پاکستان نشنل بارتی ( حزب ملی پاکستان ) ( P.N.P )
  - ۳- پاکستان پیپلز بارتی ( حزب مردم پاکستان )
  - ۴- جمعیت العلمای اسلام
  - ۵- مسلم لیگ
  - ۶- جمعیت اسلامی
  - ۷- میندریکسکل بارتی ( حزب دهقانان کارگر )
  - ۸- پشتونخوا نشنل عوامی بارتی .

۱- نشنل دموکراتیک بارتی ( حزب دموکراتیک ملی ) براساس - عنعنات ضد امپریالیستی عبدالغفارخان استعلا بوده و رهبری ان در دست شیرباز مزاری مربوط به بلوچهای دیره غزی خان اہالت پنجاب میباشد ولی رهبران اصلی ان خانواده یاچا خان و بخصوص ولی خان است . بصورت عموم از بورژوازی محروم پشتون ها نمایندگی میکند . در عمده مناطق پشتون ها ضلع ها ، مناطقی قبایلی و در میان پشتون های بلوچستان از قوت بزرگ برخوردار است :

از افغانستان انقلابی کاملاً پشتیمانی مینماید .

۲- پاکستان نشنل بارتی ( حزب ملی پاکستان ) رهبر این حزب میر غوث بزنجو یکی از بلوچهای مشهور متری بلوچستان میباشد از عناصر ملی دموکراتیک و رادیکال پشتون ها نمایندگی مینماید . نیروی مرکزی ان در پشتون ها حزب کمونیست پاکستان است که به این ارتباط پشتون های متری بهرامون ان گرد آمده اند . نیروی بیشتر ان را روشنفکران ، کارگران و دهقانان ضلع ها مینسازند . در پشتون های بلوچستان و کراچی نیز نفوذ دارد . در - مناطق قبایلی شناخته شده و کم نفوذ دارد . از افغانستان انقلابی جانبداری

منهائید .

۳- پاکستان پیپلز پارٹی ( حزب ملی پاکستان ) ، درمیان اقشار متوسط و بخش از بورژوازی ریشه دارد . رهبری آن بدست خانواده بوتو است . چون بزرگترین حزب در پاکستان میباشد لذا در مناطق پشتون ها بسه پیمانه های مختلف موجودیت دارد . صفوف آن از افغانستان انقلابی پشتمانی نموده و موضعگیری رهبری آن قابل اعتماد نیست .

۴- جمعیت العلماء اسلام براساس عنعنہ ضد امپریالیستی نهضت دیندی در وجود رهبری مولانا مفتی محمود قرار دارد که رهبران در دست پیسرش مولانا فضل الرحمان است . در ضلع های جنوبی پشتون ها - کوه های ( بنو دیره جات ، کرک ) و پشتون های بلوچستان و مناطق قبایلی و بسه خصوص وزیرستان از محبوبیت برخوردار است . یکعده ملا های مرتجع که بخصوص بسه ضلع های جنوبی و وزیرستان تعلق دارند ، علیه افغانستان انقلابی فعالیت مینمایند ، البته گروه دیگر که رهبری انرا فضل الرحمن بدست دارد با انقلاب خصومت نداشته و در برخی موارد از آن تائید بعمل میآورد .

۵- مسلم لیگ در میان پشتون ها از پیروان ها نمایندگی مینمایند . از هر زمانمدار پشتمانی نموده و برای هر رژیم دیکتا توریبه اساس اجتماعی مبدل میگردد . گرچه در همه مناطق پشتون ها اظهار موجودیت میکند ولی در دوهون عمزازه نیروی بهشتی دارد . علیه افغانستان انقلابی عمل مینماید .

۶- جماعت اسلامی معادل پاکستانی اخوان المسلمین دنیای عربی است . رهبری و ایجاد گر اصلی آن مولانا سید ابوالاعلی مودودی است و رهبران امروزی آن میا طفیل احمد ( پنجاب ) امیر ، پروفسور فقور احمد ( کراچی ) و نایب امیر و حسین احمد مدنی ( سرحد ) سکرتر جنرال آن میباشد . در میان برخی از دیودان ها و بورژوازی کوچک عقبمانده پشتون ها نفوذ محدودی داشته و از امپریالیزم و حکومت ضیاء الحق حمایت و پشتمانی مینماید . حزب کوچکی در پشتون ها است .

در همه فعالیت های اشرار افغانی که علیه افغانستان انقلابی انجام میدهد ، سهم فعال دارد .

۷- مزدور کسان بارتی ( حزب دهقانان کارگر ) در میان دهقانان مناطق دهقانی مردان ، ملاکمو وسوات تا حدی نفوذ دارد . رهبری اصلی آن در دست افضل بنگش ( که فعلاً در انگلستان بسر می باشد ) تا تهران روبره گاهش است زیرا بیشتر صفوف آن بسوی پاکستان نشنلی بارتی متعاضد اند . از افغانستان انقلابی کاملاً پشتیبانی مینماید .

۸- پشتونخوا نشنلی عوامی بارتی در ضلع های کوپته ، شهن ، لورالای و ژوب نفوذ ونبرو دارد یک بخش آن متشکل از روشنفکران رادیکال میباشد ورهبران رحیم ایدوکیت است و بخش دیگران مشتمل از عناصر ملی میباشد . رهبری عمومی آن بدست محفود خان اخکزی بسر مرحوم عبدالصمد خان اخکزی شخصیت ضد امپریالیستی و مشهور پشتون میباشد . از افغانستان انقلابی کاملاً پشتیبانی مینماید .

#### تذکر :

- مقام چیف کمشنر یا کمشنر عمومی بالاتر از کمشنر دوژن و یائین تر از گورنر ایالتی میباشد .
- پنجابها ۶۲ درصد نفوس پاکستان فعلی را تشکیل میدهند صرف نفوس پنجاب از نفوس مجموعی ایالات سه گانه دیگر بیشتر است .
- احصائیه پشتون ها در بلوچستان بیشتر جنبه تخمینی دارد و تعداد پشتون های کراچی نیز تا حد زیاد تخمین است .
- عاید سالانه از بیروژه تریبله تقریباً به ( ۳۶۰۰ ) ملین - کلدار میرسد اگر عمین مقدار بول در صوبه سرحد مصرف شود پس از چند سال سهامی آن دگرگون میگردد .

حکومت صوبه سرحد درین اواخر فیصله نموده است تا ظرف چهار سال در مناطق پشتون ها در مکاتب ابتدائی به زبان پشتو تدریس صورت گیرد . علاوه برین بمنظور تشویق تولید فلمهای پشتو فیصله شده است تا استدیوی تولید فلم در پشاور ایجاد گردد .

### مناطق قبایلی :

از نظر قانون اساسی ۱۹۸۳ :

الف : ( مناطق قبایلی ) به مناطق پاکستان اطلاق میگردد که قبلاً از

۱۴ اگست ( انفاذ قانون اساسی ۱۴ اگست ۱۹۷۳ - توضیح ) -

مناطق قبایلی بوده و این مناطق را شامل است .

۱- مناطق قبایلی بلوچستان و صوبه سرحد شمال غربی و

۲- دولت های سابق امپ ، چترال ، دیر و سوات

ب : معنی مناطق قبایلی تحت اداره ایالت :

۱- ضلع های چترال ، دیگر ، سوات ( بشمول کالام ) ، منطقه

ملاکنی ، ضلع هزاره و منطقه مربوط به دولت سابق امپ .

۲- ضلع ژوب ، ضلع لورالای ( بدون تحصیل دوکه ) ضلع چاغی

و تحصیل البندین ، ضلع سببی و مناطق مری و بگتی

ج : مناطق تحت اداره فدراسیون  
Federally Administered Tribal Areas (F.A.T.A)

مشتمل به مناطق ذیل است .

۱- مناطق مربوط به پشیناور .

۲- مناطق قبایلی مربوط به ضلع کوهاٹ .

۳- مناطق قبایلی مربوط به ضلع بنو .

- ۴- مناطق قبایلی مربوط به ضلع دیره اسماعیل خان \*
- ۵- باجوڑ در منطقه ملاکنڈ ایجنسی \*
- ۶- مہمند ایجنسی \*
- ۷- خیبر ایجنسی \*
- ۸- کرم ایجنسی \*
- ۹- وزیرستان شمالی \*
- ۱۰- وزیرستان جنوبی \*

اختیارات اجرائیوی فدراسیون یعنی حکومت مرکزی از طریق فدراسیون به مناطق تحت ادارہ استقلال مہابد و اختیارات اجرائیوی حکومت ایالتی به مناطق تحت ادارہ ایالت انتقال مہکند \*

یادداشت :

- ۱- در اواخر سال ۱۹۷۳ حکومت باجوڑ دو ایجنسی دیگر تحت نامہای باجوڑ و ورکڑاہی ایجاد نمود ، و منطقه اتانخیل باجوڑ را به ایجنسی ملاکنڈ ، باجوڑ و مہمند مربوط ساخت \*
  - در زمان منظوری قانون اساسی ، ہزارہ یک ضلع بود و اکنون دران سہ ضلع ایبت آباد ، مانسہرہ و کوہستان تشکیل یافته است \*
  - ہمہن اکنون تحصیل کرک نیز در ضلع کوہات به ضلع مہندل شدہ است \*
- ۲- مسئول ایجنسی بنام پولتیکل ایجنت یا ( بی - ای ) یاد مہشود کہہ وی بنویسہ خود دو معاون بنام استنت پولتیکل ایجنت یا - ای - پی - ای دارد علاوہ براین تحصیلدارها و ناہب تحصیلدارها - مسئولین تحصیل ہستند \*

تقسیم اداری :

واحد های اداری در پاکستان قرارندیل است :

مرکز

صوبه ( ایالت )

کشنری ها ( دوپڑن ها )

ضلع ها

تحصیل ها

معادل افغانی ان تقریباً چنین است :

صوبه : ولایت

دوپڑن : لوی ولسوالی

ضلع : ولسوالی

تحصیل : علاقہ اداری

دوپڑن های صوبه سرحد : دوپڑن های پشاور، ملاکنڈ، هزاره و -

• کوہات، دیره اسماعیل خان

ضلع ها : پشاور، مردان، سوات، دیر، چترال، ایبت آباد، کوہستان

• ندره، کوہات، کرک، بنو و دیره اسماعیل خان

قرار به این شده است که تحصیل چارسده به ضلع مبدل گردد.

به مسوول اداره دوپڑن، کمشنر دوپڑن گفته میشود که بصورت عام صرفاً بسه

کشنر مشهور است. مسوول ضلع دیتی کشنر یا دی - سی. یاد میشود. بسه

مسوول تحصیل استنیت کشنر یا ای - سی خطاب میشود.

ختم : ۱ - ۵ - ۱۳۶۳

فصلنامه

از خواننده گان محترم صمیمانه تقاضا می‌شود تا قبل از مطالعه اثر  
اغلاط و کاستی های ذیل را در متن تصحیح نمایند :

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۱	۷	گلی	گیل
۱	۷	بعد از لحاظ علاوه شود :	
		اداری به دو منطقه تقسیم	
		شده است : ضلع ها و	
		مناطق قبایلی دوازده ضلع	
		به نام های پشاور، مردان	
۱	۱۳	بعد از مذاجرین ، ارد و زبان علاوه شده	
		و کلمه ارد و زبان در سطر یازدهم حذف شود .	
۱	۲۲	انها	انها به
۳	۶	بولی کالسی	بولی - کالسی
۳	۱۸	مستراتریست	ستراتریست
۵	۲	تبادلسی	تبادله
۵	۱۲	مصنوعات و کاغذ های	مصنوعات و کالا های
۷	۷	۳۲۰	۳۰۷
۷	۸	بعد از کارگران علاوه شود :	
		نساجی ( ۴۰ درصد ) هستند ، به تحقیق آن	
		کارگران شاغل در صنایع مواد خوراکی ( ۳۰ درصد )	
		میباشند . علاوه بر آن در آغاز سال های هجرت -	
		تعداد تصدیی های کمتر از بیست نفر کارگر در آن .	

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۷	۱۴	پشتر	پیشه
۷	۱۶	ناکامی	نا کافی
۸		از اخیر سطره	بیروکرات ها
۱۰	۱	کثیرالترکتوری	کثیرالسترکتوری
۱۰	۳	اختیار	ساختار
۱۱		سطر دوم از اخیر	بعد از بقا وقت و مبارزه علاوه شود : پس از - برخورد های زیاد مسلحانه .
۱۳	۱۱	شکان ها	پشتون ها
۱۳	۱۳	حاصل	حاصل
۱۳		سطر نیم از اخیر	بعد از اتمام نهدضت علاوه شود : اوج گیرنده - ازادی خواهی در دهند به اجبار اصلاحاتی در - اداره و قوانین خود زیر نام مانتیگو چلمسنورد رفامز پیماده کرد ه .
۱۴	۸	رفرنیستن	رفرنیستی
۱۴	۱۱	برای گسترده	چنان گسترده
۱۴	۱۵	شد و	شد و آنها
۱۴	۲۲	کانگری	کانگرس
۱۵		سطر ۴ از اخیر برای	رای
۱۶	۸	مسلك لیگ	مسلم لیگ
۱۶	۱۷	تینی	مینی
۱۷	۱۴	وار پانت سوسی	وار پانت سوسی
۱۷	۲۲	مشترك کرده	اشترك کرده
۱۸		از اخیر سطره ۵	۱۷
۱۸		از اخیر سطر ۲	جواب



صفحه	سطر	غلط	صحیح
۱۹	۱۶	برك در	بركسانيكه در
۲۰	۴	كلى	كل
۲۰	۱۰	۵۰ پاكستان	۵۰ پاكستانغرى
۲۳	۱۱	انتخاب عمومى	انتخابات عمومى
۲۶	سطر ۱۷		بعد از تحت كنترول علاوه شود : حكومت مركزي درآمد و علاوه بر اين لست مشتمل بر ۴۷ موضوع ظانراہ تحت كنترول
۲۶	سطر سم از آخر		بعد از بلوچنا پس از چنين علاوه شود : انكه حكومت شان برانداخته شده .
۲۷	سطر اول	اقوام	رفورم
۲۷	۵	مبارزات	با مبارزات
۲۸	سطر سم از آخر	شم اور	شم اور عليه
۲۹	۱۳	د لاشپور	لاشپور
۲۹	سطر دم از آخر	از بولند	از چنند
۳۰	۸	يعنى درصد	يعنى (۱-۲) درصد
۳۰	۱۲	۱۹۸۳-۱۹۸۳	۱۹۸۳-۱۹۸۲
۳۰	۱۸	يعنى (۰.۳) را	يعنى (۱.۰۳) درصد
۳۲	۱۶	ولى از	وپس از
۳۲	۲۰	عليه سياسى	عليه سياست
۳۳	سطر اول	برامر خود	را براي خود
۳۴	۷	طبقاتى شان	طبقاتى ولى شان
۳۴	۱۷	به اساس مداخله	به دسائس و مداخله
۳۵	سطر ۱۱ از آخر	وظف	وصل
۳۷	۲	سليك ديس	سليك ايس

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۳۸	۱۵	میتوانند	میتوانند
۳۸	۱۶	برادران	برادران منسوب
۳۸	۲۱	بود و دو سال	بوده و ده سال
۴۰	۱۲	استعلا	استوار
۴۰	۱۳	دیره غزی	دیره غازی
۴۰	سطر اول از آخر	کم نفوذ	کم و بیس نفوذ
۴۱	۸	دو بندی	دو بندی
۴۱	۱۰	کوه های	کوه ها ت،

